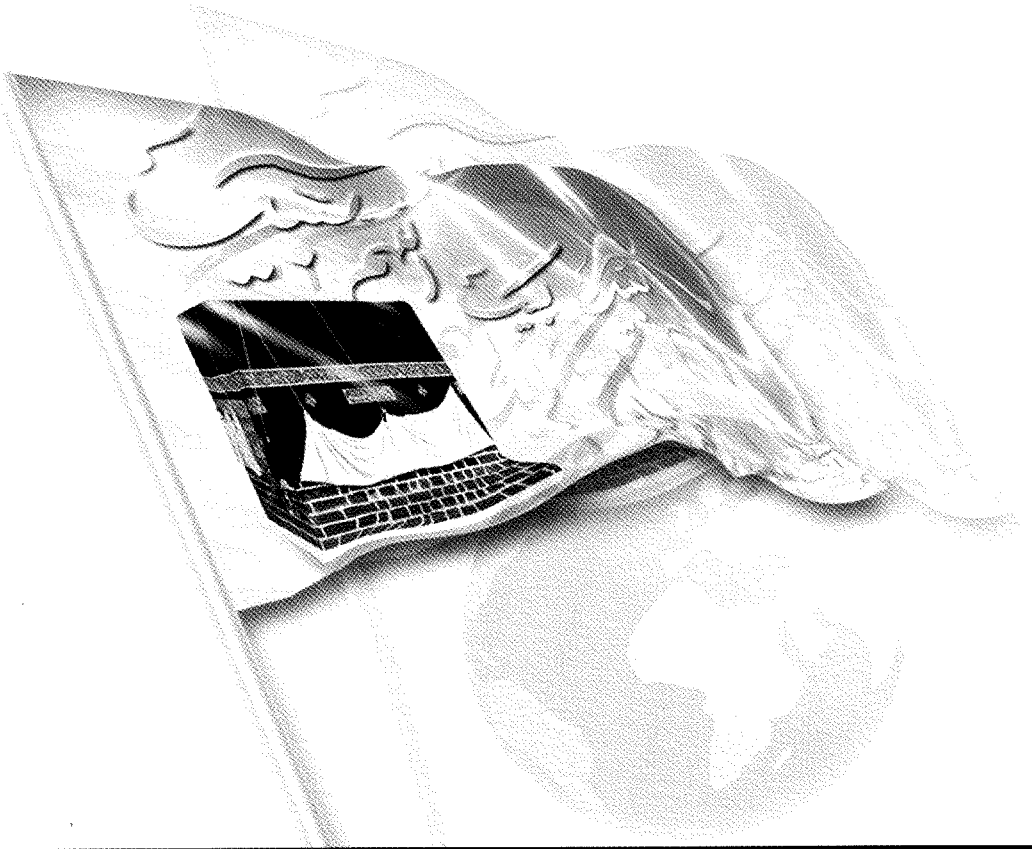


اماکن و آثار



تخریب بقیع به روایت اسناد

(۲)



سیدعلی قاضی عسکر

شروع یک توطئه

براساس گزارش حسین پیرنظر^۱ از سفارت ایران در مصر، اگر دولت ایران برای یکی دو سال دیگر، رفتن به حج را منع می‌کرد، حتماً حکومت حجاز حاضر به قبول شرایط پیشنهادی ایران می‌شد و در نتیجه، هم برای زائران ایرانی رفع مزاحمت می‌گردید و هم نسبت به تعمیر قبور و خرابی‌های به عمل آمده امتیازاتی به دست می‌آمد.

لیکن متأسفانه این کار صورت نمی‌پذیرد و در خرداد ۱۳۰۸ ه. ش. اولین مرآوده رسمی دیپلماتیک میان ایران و حکومت عبدالعزیز صورت گرفته و در شهریور

همین سال، معاهده مودت میان ایران و حجاز امضا و در فروردین سال ۱۳۰۹ ه. ش. حبیب‌الله هویدا با عنوان نماینده ایران و با سمت کاردار وارد جدّه می‌شود.

تأسیس سفارت ایران در عربستان، که به نوعی تقویت حکومت عبدالعزیز را در پی داشت، به حدی برای عبدالعزیز مهم بود که هویدا پس از ملاقات با وی، از قول کفیل وزارت خارجه در گزارش خود می‌نویسد:

«... و ذکر کرد که هیچ وقت اعلی‌حضرت را تا این درجه شاد و مسرور ندیده بودیم که امروزه از ملاقات شما و وصول ناصر همایون

شاهنشاهی اظهار شادی و سرور
علنی می فرمودند...»^۲

مأموریت حبیب‌الله هویدا

حبیب‌الله هویدا در ایجاد این
ارتباط نقش مهمی داشته و لذا دولت
حجاز نیز به مسؤولان وزارت خارجه
خود دستور می دهد که همیشه او را
راضی و خورسند نگاه دارند که اسباب
تکدر خاطر و دلتنگی برای او فراهم
نشود و تمام مطالب و تقاضاهای او را به
فوریت انجام دهند!^۳

باتوجه به اینکه حبیب‌الله هویدا
یکی از دو نماینده ایران برای بررسی
وضعیت حجاز در اثر حمله وهابی ها و
تخریب اماکن مقدسه بوده و از سوی
دیگر، وی براساس اسناد، دارای مسلک
بهائیت و از بهائیان شناخته شده بوده
است،^۴ همه گویای آن است که متأسفانه
نماینده ایران به صورت پنهانی نقشی
مؤثر در نادیده گرفتن این مسأله مهم
داشته است. این نکته زمانی تقویت
می شود که ملک عبدالعزیز به هویدا
می گوید:

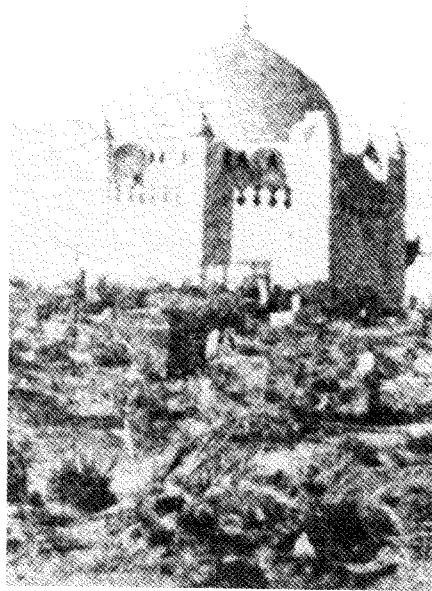
«... ما شما را از خود می دانیم، شما نیز
خود را مثل سایر نمایندگان اجانب

ندانید، هیچ وقت لزوم به تحصیل
اجازه نیست، هروقت که میل دارید،
بدون هیچ ملاحظه، به دیدن ما بیایید،
چه در مکه چه در اینجا، ما همیشه
آماده ملاقات شما هستیم...»^۵

در روزنامه الوطن (چاپ بغداد)،
در تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۳۴۸ ه. ق. در
زمینه به رسمیت شناختن دولت حجاز
توسط ایران درباره نماینده ایران،
حبیب‌الله خان عین‌الملک معروف به
هویدا می نویسد:

«... مشارالیه کاملاً به این قضایا آگاه
است و علاوه بر اینکه زبان مملکت را
به خوبی می داند، محل اعتماد ملک
عبدالعزیز و رجال حکومت حجاز
است و شخصاً نزد آنها محترم است
و بدیهی است که تعیین او به این سمت،
مسأله را به طور دلخواه حل و تسویه
می نماید!»^۶

در ماده سوم عهدنامه مودت، امضا
شده میان دو کشور، هیچ اشاره‌ای به
مسأله تخریب و هدم آثار اسلامی و قبور
ائمه بقیع نشده و با کمال تأسف از
کنار آن گذشته‌اند.^۷ هویدا تا سال
۱۳۵۳ ه. ق. به عنوان نماینده ایران در



طرف وهابی‌ها بوده است! ثانیاً
برفرض اینکه از طرف آن‌ها بوده
باشد، واضح است عمدی نبوده است!
و در اثنای تیراندازی به همدیگر خطاء
به قبه مطهر اصابت کرده است! و دلیل
صحت این نظریه این است که قبهٔ مرقد
مطهر خیلی عظیم و بزرگ است و
وهابی‌ها هم در پشت دروازه و قلعه
شهر بوده‌اند و تعدادشان بیش از
سه‌چهار هزار بوده است؛ اگر قصد
اصابت می‌داشتند، اقلأً دو سه هزار
گلوله به قبه مطهر می‌رسید! به‌رحال
فقط آثار پنج گلوله تفنگ در روی قبهٔ
مطهر بود و همچنین آثار چهار - پنج
گلوله بر قبهٔ اهل‌بیت بود، خادم‌باشی
حرم مقدس نیز سه - چهار عدد گلوله
آورده و به بنده داد و گفت که این‌ها را
روی بام حرم یافته و تصور می‌کند که
از گلوله‌هایی است که به قبه مقدس
رسیده است. فدوی آن‌ها را تقدیم
خواهم نمود که در موزهٔ وزارت
معارف محفوظ بماند...^۸

متن کامل گزارش هویدا

جهت اطلاع بیشتر خوانندگان، متن
کامل گزارش به این شرح تقدیم
می‌گردد:

حجاز مشغول به کار بوده است.

حیب‌الله هویدا در مأموریتش به
مدینه، برای کسب اطلاع از میزان
خرابی‌ها، تلاش جدی کرده تا این حادثهٔ
مهم را بسیار کمرنگ تلقی نموده،
وهابی‌ان را به‌نوعی، تبرئه نماید. در
گزارش وی چنین آمده است:

... بالای مناره، قبه مطهر صعود
کردیم، یکصد و سی پله بالا رفتیم و از
آنجا قبهٔ مطهر را زیارت نمودیم (زیرا
صعود بالای قبه غیرممکن است). از
آنجا مشاهده نمودیم که فقط پنج
گلوله تفنگ به قبهٔ مطهر اصابت نموده
و اندکی سوراخ کرده است و ابدأً
خرابی وارد نیامده است! اولاً
نمی‌شود حتم کرد که این گلوله‌ها از



تاریخ سند: ۱۱ دیماه ۱۳۰۴

فرستنده: حبیب‌الله هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش در باب وقایع حجاز

نمره: ۲۱۱

مقام منیع وزارت جلیله امور

خارجه دامت شوکته

بر حسب اوامر متعدده تلگرافی

وزارت جلیله متبوعه، روز ۱۵ مهرماه

۱۳۰۴، مطابق ۱۷ کتبر ۱۹۲۵ از شام به مصر

و از آن جا در معیت جناب غفارخان،

وزیر مختار مصر در روز ۱۹ مهرماه با

کشتی خدیوی به طرف جدّه حرکت و

روز ۲۴ مهرماه وارد جدّه شده [روز] ۲۹

با اتومبیل‌های سلطان نجد به طرف مکه

معظمه رهسپار شدیم. ابن سعود در میان

راه جدّه و مکه، در محلی که به اسم بحرّه

معروف است، برای پذیرایی از نماینده

انگلیس «مستر کلایتون»، که برای عقد

معاهده آمده بود، چادرهای متعدد

افراشته بود و خود نیز چون آن جا بود،

اول برای ملاقات او رفته، پس از صرف

ناهار و چای، چهار بعد از ظهر با یک نفر

میهماندار مخصوص و چهار نفرگارد

مخصوص، در حالتی که مُحرم بودیم،

پس از وصول به مکه معظمه و ادای

وظایف دینیّه عمره، به خانه‌ای که معین

کرده بودند رفته، روز بعد برای مشاهده و

زیارت مقامات و قبور مهدومه، که در

قبرستانی که در منتهی الیه یک طرف شهر

در دامنه کوهی واقع است رفتیم. قبر

حضرت خدیجه و حضرت آمنه^۹ و قبر

عبدالرحمن بن ابی بکر و قبور بنی هاشم و

مسجد جن و قبر عبدالله بن الزبیر و قبور

شهدا و قبور سایر ناس که در آن قبرستان

بود، وهابی‌ها همه را خراب و مهدوم

کرده‌اند.

حبیب‌الله هویدا در مأموریتش به

مدینه، برای کسب اطلاع از

میزان خرابی‌ها، تلاش جدی

کرده تا این حادثه مهم را بسیار

گم‌رنگ تلقی نموده، وهابیان را

به‌نوعی، تبرئه نماید.

مولد حضرت پیغمبر و خانه

حضرت خدیجه که ولادتگاه حضرت

صدیقه طاهره، زهرا - صلوات‌الله علیها -

بوده است، همه را مهدوم و با خاک

یکسان کرده‌اند. عمارت و قبه‌های مراقد

حضرت خدیجه و آمنه را که با خاک

یکسان کرده‌اند سهل است، قبر حضرت

خدیجه را نبش کرده بودند و معلوم بود

که دوباره با خاک و گل پر کرده‌اند. خانه متولی قبر خدیجه را منهدم و تمام دارایی او را به یغما برده‌اند و خانه متولی در همان قبرستان، پهلوی قبر حضرت آمنه و خدیجه بوده است.

البته راجع به این معاهدات و تفصیل ملاقات و مذاکرات با سلطان ابن سعود، جناب اجل غفارخان وزیر مختار راپرت مفصل تقدیم نموده‌اند و احتیاج به تکرار فدوی نیست!^{۱۱} زیرا مأموریت فدوی فقط برای مدینه منوره است. بنده در ذهاب و ایاب و در کلیه مواقع و در ملاقات‌های با اعلی حضرت ملک علی و سلطان ابن سعود با جناب وزیر مختار بودم و وظیفه ترجمانی را به عمل می‌آوردم، لهذا همین قدر عرض می‌کنم که جناب غفارخان، الحق یکی از رجال سیاسی تجربه‌دیده و هوشیار و با متانت و عاقبت‌اندیش دولت علیّه ابد مدت هستند و این مأموریت را فوق‌العاده با متانت و سیاست و کیاست انجام دادند و از این بهتر امکان‌پذیر نبوده و نیست.

فدوی راجع به ملاقات‌ها و مذاکراتی که با ملک علی و سلطان ابن سعود با حضور جناب وزیر مختار شده، در این جا شرحی نمی‌دهم که مبادا

در تعبیر کم و زیاد شود و محول به راپرتی که خود ایشان تقدیم کرده‌اند، می‌نمایم. علی‌هذا ذیلاً به شرح مأموریت مخصوص خودم که راجع به مدینه منوره است، می‌پردازم:

نظر به اینکه وقتی در مکه معظمه بودیم، سلطان نجد ذکر نمود که ایصال مرا فقط تا به «عیون» که اردوگاه قشون وهابی‌ها است و دو ساعت از مدینه منوره دور است تعهد می‌کند و از آن جا تا مدینه را در عهده نمی‌گیرد، سوءظنی ما را دست داده، با جناب وزیر مختار به جده برگشتم که با ملک علی مذاکره نمایم. ملک علی بیچاره گفت:

من هرچه شما بگویید حاضریم، ولی قشون ما همه در داخل مدینه هستند و در خارج شهر قشون نداریم (و از عیون) تا به مدینه همه نخلستان است و همه در دست خود وهابی‌ها است، می‌ترسم که برای بدنام کردن از بین نخیل تیری به شما بزنند و بگویند که از طرف ما بوده است. پس اصلح آن است که سلطان با گاردهای خود شما را به دائرة تلگراف بی‌سیم ما که خارج شهر است رسانده، گاردهای ما آن جا شما را تحویل می‌گیرند و در حین عودت نیز در همان نقطه شما را تحویل

سوارهای سلطان می دهند.

لهذا فدوی از جدّه تفصیل را به ابن سعود نوشتم. روز بعد جواب رسید و قبول کرد و اتومبیل فرستاد و همان روزی که جناب وزیرمختار سوار کشتی و عازم مصر شدند، بنده نیز سوار اتومبیل و عازم (بحره) گشتم. یک شبانه روز در بحره متوقف و دو دفعه با ابن سعود ملاقات شد. فوق العاده احترام و محبت نمود و هر دفعه خیلی اظهار میل به تقرّب به دولت علیّه می کرد و می گفت:

ما با دولت ایران هم جواریم و به قدر سی هزار نفر شیعه در نجد، و در احساء نزد من هستند، می توانید از آنها تحقیق نمایید، آنچه در حق ما شهرت می دهند اکثر تهمت و افتراست. ان شاء الله شما به مدینه رفته، خواهید دید که آنچه گفته اند دروغ است. من صریحاً به شما می گویم و شما هم به دولت علیّه بنویسید که من حرمین شریفین را به جان و مال و اولاد خود حافظ و حارسم. مهدومات مکه نیز قبل از ورود من بوده است. بلی وهابی ها اعتقاد به تعمیر قبور و قبّه ها ندارند و بدعت می دانند و «خیرالقبور الدوارس»! را، حدیث معتبر می شناسند. مع هذا بعد از ورود خودم فوراً جلوگیری

کرده ام و حالیه نیز با کمال اصرار و الحاح منتظرم که دول و ملل اسلامی، نماینده های خود را بفرستند و در امور حجاز قراری دهند و برای تعمیر این قبور نیز اگر مصمم شوند ممانعت نمی کنم سهل است، مساعدت خواهم کرد، حتی اگر خروج مرا نیز از حجاز مقرر دارند، فوراً بیرون می روم.

قبل از حرکت بنده به مدینه منوره و بعد از عودت، سلطان این صحبت ها را مکرر گوشزد نمود و بعد از عودت از مدینه در ملاقات اخیر خواهش کرد که فدوی در تقرّب بین او و دولت علیّه اقدام کنم و نیز خواهش نمود که مکاتبه با او داشته باشم. به هر صورت ابن سعود پنج نفر از تفنگداران مخصوص شخصی خود را با سه نفر شتر ذلول مخصوص برای بنده و نوکر بنده معین کرد که تا مدینه ذهاباً و ایاباً با بنده باشند و برای تهیه حرکت از بحره به مکه رفته، چهار روز در آن جا ماندم سپس تفنگداران سوار شتر را به رابغ که کنار دریاست فرستادند و بنده نیز با مستشار مخصوص خود او با اتومبیل به رابغ رفتیم. از مکه تا رابغ با شتر پنج منزل است، با اتومبیل نه ساعت طول کشید.

در رابع چند روزی منتظر تفنگداران شدم. مستشار مخصوص سلطان به مکه عودت نمود. در این اثنا فدوی سخت مریض و بستری و مبتلا به دسانتری شدم و ده روز سفر تأخیر افتاد. نه علاجی گنگ نه درمانی، نه حییبی و نه طبییبی.

رابع عبارت از یک ده بزرگی است که هیچ چیز در آن یافت نمی شود، جز نان و برنج و گوشت چیزی نیست. از سبزیجات اثری نیست. آب چاه آن هم تلخ و ناگوار. به هر حال، به روحانیت حضرت ختمی مرتبت متوسل شده، به قوه دعا و مناجات بهبودی حاصل شد.

در این اثنا، پسر سلطان با پانصد نفر شترسوار از قشون وهابی ها، برای رفتن به مدینه به رابع رسیدند. فدوی نیز با وجود ضعف و نقاقت با تفنگدارهای مخصوصه به آنها ملحق شدم و حرکت نمودیم و روز ششم به عیون رسیدیم. دیگر جسارت می دادم عرض کنم این شش روز شترسواری چه بر سر این فدوی آورد. به هر حال بعد از دو روز استراحت، مراسله ای به امیر مدینه و به حاکم لشکری مدینه نوشته، توصیه نامه های ملک علی را در جوف

نهاده، با قاصد مخصوص به مدینه فرستادم. روز بعد جواب رسید که با نهایت شادی و افتخار منتظر هستند. لهذا با پنج نفر سوار و ده نفر پیاده از قشون سلطان حرکت کردم. در همان محل معین یک نفر مهمان دار با یک درشکه و شش - هفت نفر سوار مسلح حاضر بوده مرا تسلیم گرفتند و رییس سواران سلطان هم ورقه کتبی از بنده گرفتند که مرا به سلامت تحویل دهند.

از آن جا به سمت مدینه منوره رهسپار شدیم، در خارج از دروازه، به قدر پانصد نفر قشون و صاحب منصب های لشکری و کشوری و امیر مدینه شریف احمد بن منصور و جمع زیادی از اهالی استقبال شایانی نمودند و همچنین روز عودت به همین ترتیب مشایعت کردند.

بعد از ورود و استحمام به زیارت حرم مقدس مطاف ملاً اعلی، مرقد مطهر حضرت خاتم الانبیاء - علیه آف التحیه و الثناء - مشرف شدم، روحانیتی که در آن مقام مقدس دست می دهد، از وصف خارج است. به محض عتبه بوسی، زحمات و خستگی [...] راه به کلی نابود شد. خداوند سر سودن به این آستان

ملایک پاسبان را نصیب حضرت اشرف
و جمیع دوستان فرماید!

سه روز در مدینه توقف نمودم.
روز دوم به قصد بازدید قبۀ مطهر، با
عزت پاشا حاکم لشکر شهر و میهماندار
جناب سید عمران تاجر شیعی عراقی و
متولی باشی حرم مطهر داخل حرم شدیم.
بعد از ادای فریضه زیارت و عتبه بوسی،
آغاباشی؛ یعنی خادم باشی حرم، برای
هریک از ماها لباس خدمتکاران آورده،

نموده و اندکی سوراخ کرده است و ابدأً
خرابی وارد نیامده است. اولاً: نمی شود
حتم کرد که این گلوله ها از طرف
وهابی ها بوده است، ثانیاً: برفرض اینکه
از طرف آن ها بوده باشد، واضح است
عمدی نبوده است و در اثنا تیراندازی
به همدیگر، از روی خطا به قبۀ مطهر
اصابت کرده است و دلیل صحّت این
نظریه این است که قبۀ مرقد مطهر، خیلی
عظیم و بزرگ است و وهابی ها هم در



تخریب بقیع به روایت استاد (۲)

۱۶۳

پشت دروازه و قلعه شهر بوده اند و
تعدادشان بیش از سه - چهار هزار بوده
است. اگر قصد اصابت می داشتند، اقلأً
دو - سه هزار گلوله به قبۀ مطهر می رسید.
به هر حال فقط آثار پنج گلوله تفنگ
در روی قبۀ مطهر بود و همچنین آثار

پوشیدیم و بالای مناره قبه مطهر صعود
کردیم، یکصد و سی پله بالا رفتیم و از
آن جا قبۀ مطهر را زیارت نمودیم (زیرا
صعود بالای قبه غیر ممکن است).

از آن جا مشاهده نمودیم که فقط
پنج گلوله تفنگ به قبۀ مطهر اصابت

چهارپنج گلوله بر قبه اهل بیت بود. خادم‌باشی حرم مقدس نیز سه - چهار عدد گلوله آورده و به بنده داد و گفت که این‌ها را روی بام حرم یافته و تصور می‌کند که از گلوله‌هایی است که به قبه مقدس رسیده است. فدوی آن‌ها را تقدیم خواهم نمود که در موزه وزارت معارف محفوظ بماند.

بالآخره روز چهارم بر حسب خواهش بنده، سواران سلطان، با تقریباً سی - چهل نفر پیاده که خودشان مایل به آمدن شده بودند به خارج شهر آمده، بنده نیز با قریب بیست نفر تفنگدار سواره و پیاده، از قشون ملک علی و دونفر صاحب منصب سرهنگ و سید عمران تاجر به خارج شهر آمده و [ما را] تسلیم گارد ابن سعود نمودند و ورقه‌ای به خط و مهر از بنده گرفتند و عودت نمودند.

بنده نیز با سواران سلطان به مقام حضرت حمزه مشرف شدم که در بین راه واقع است. به عمارت و قبه حضرت حمزه با وجود اینکه چندین ماه است که در تصرف وهابی‌ها بوده است، ابداً آسیبی نرسیده است. به قبر حمزه نیز دستی نزنده‌اند و روپوش آن موجود و شبکه آهن اطراف آن نیز دست نخورده

است، فقط گویا اثاثیه‌ای که آن‌جا بوده؛ از قبیل پرده و قالی و چراغ به غارت برده‌اند. فقط یک نفر از اهل مدینه ذکر می‌کرد که قبر عقیل نام، از اصحاب پیغمبر را که در جنب مرقد حمزه مدفون بوده است، خراب کرده بوده‌اند. وهابی‌ها بعد از اینکه شنیدند بنده برای تحقیق می‌آیم، دوباره تعمیر کرده‌اند، لیکن صحت و سقم این قول معلوم نیست.

در هر حال، مقام حضرت حمزه ابداً خراب نشده است. اثاثیه را هم که می‌گویند به غارت برده‌اند، تصور نمی‌شود که چیز مهمی بوده باشد؛ زیرا فدوی در مدینه منوره مرقد حضرت عبدالله بن عبدالمطلب، پدر پیغمبر را که زیارت کرده‌ام، اثاثیه آن فقط عبارت از چند گلیم و قالیچه مندرس و کهنه و حصیر پاره شده و به قدری کثیف و گردآلود بود که انسان متأثر می‌شد که صریحاً به همراهان گفتم خیلی اسباب تأثر است که به مرقد پدر پیغمبر این‌گونه بی‌اهتمامی نموده‌اید و کثیف نگاه داشته‌اید. در صورتی که مرقد پدر پیغمبر را با این وضع مشاهده نمودم، تصور نمی‌کنم که مرقد عموی پیغمبر بهتر بوده است و وهابی‌ها هم اگر غارت کرده‌اند

چیز قابلی نبوده، فقط خود را مفتضح کرده‌اند. این بود حقیقت مشاهدات فدوی که عرض شد.

پس از زیارت، به اردوگاه سلطان آمده، دو روز توقف کرده، با پنج نفر تفنگداران مخصوص سوار شتر شده، به طرف مکه رهسپار شدم. شب و روز در حرکت بودیم؛ یعنی شبانه‌روزی چهارده ساعت در حرکت بودیم. روز هشتم، بعد از ظهر، نیمه‌جان به مکه معظمه رسیدیم. در راه از آب کثیف ناگوار مبتلا به تب و نوبه؟؟؟ شدم که هنوز آثارش باقی است. در وقت عودت یک کجاوه خریده، به تصور اینکه شاید راحت‌تر باشد، ولی افسوس بعد از دو - سه روز مجبور شدم که بی‌کجاوه سفر کنم؛ زیرا کجاوه با آن حرکت مخصوص شتر، عذابش بیشتر است.

دو شب و یک روز در مکه مانده، با ابن سعود وداع کرده، با اتومبیل به جده آمدم. چند روزی در جده منتظر کشتی شده، با ملک‌علی چند ملاقات کرده، بالاخره به سمت مصر و از آنجا به شام آمدم.

ملاقات اخیر با ابن سعود را در ورقه‌ای حده به عرض می‌رسانم و همچنین

ملاقات با ملک‌علی را، که بیچاره بالاخره مجبور به استعفا و هجرت از حجاز شد؛ زیرا مقصود از این راپرت، فقط دادن توضیحات در خصوص مدینه منوره است.

اما این نکته را جسارت می‌ورزم که در این مسافرت مصایبی که بر فدوی رسید، مرا اقلاده سال پیرتر کرده است و علی‌العجاله نعمتی ظاهری که قسمتم شده است، ضعف و ناتوانی و انحلال قوای جسمانی است و خداوند شاهد است که از صمیم قلب می‌گویم که فقط روحانیت حضرت پیغمبر ﷺ بنده را سالم به شام عودت داد، و الا بایستی در راه مدینه و مکه هلاک شده باشم و خودم از عودت مأیوس بودم. الحمدلله فی کلّ حال، ایام شوکت مستدام باد! ^{۱۱}

فدوی - حبیب‌الله هویدا

هویدا در گزارش دیگری باز سعی کرده ابن سعود را از اتهام تخریب قبور تبرئه کند. وی از قول ابن سعود چنین می‌نویسد:

«... خسیلی اسباب حیرت است که مسلمانان عالم فقط برای تخریب چند قبر که قبل از ورود من به دست این

بدوی‌های جاهل مه‌دوم شده، این همه اظهار غیرت و حمیت و دردمندی نمودند و در مجامع و منابر و روزنامه‌ها مرا لعن و تکفیر کردند و عالم را بر من شوراندند و بدنام خواستند...»^{۱۲}

تلاش برای بازسازی

پس از سلطه و هابیان بر حجاز و ویران ساختن حرم و گنبد ائمه بقیع و دیگر مدفونین در این قبرستان، شیعیان جهان و خصوصاً مراجع و علمای دینی تلاش‌ها و اقداماتی برای بازسازی و تعمیر قبور بقیع انجام داده‌اند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

مظفر اعلم، نماینده دولت ایران در جدّه از سال ۱۳۳۰ ه. ش. کوشش‌هایی در این راستا داشته است. وی در تاریخ ۱۳۳۰/۹/۲۱ در نامه‌ای به شماره ۴۰۲، خطاب به کمیسیون دائمی حج چنین می‌نویسد:

روز چهارشنبه ششم آذرماه ۱۳۳۰ برای زیارت مدینه منوره به آنجا رفتم. نتیجه مطالعات خود را ذیلاً به عرض می‌رساند:

۱- وضعیت بقیع بعد از خرابی تمام

ساختمان‌های قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام بسیار دلخراش است و عبارت از قبرستان پست و بلند عمومی است که هیچ فرق و امتیازی بین قبور بزرگان دین و عامه ناس باقی نیست و اگر توفیق حاصل شود که موافقت اولیای دولت سعودی برای ساختن دیواری با پنجره‌های آهنی گرد محوطه مدفن مطهر ائمه هدی تحصیل شود که اقلاً این قبور در میان این چهار دیوار محفوظ بماند، قدم بزرگی در حفظ شعائر اسلام برداشته شده است. امیدوارم در مواقع مقتضی در مذاکره با اولیا مؤثر و متفند، کوتاهی نشود. شاید بتوان فعلاً تا این اندازه حفاظت قبور منظور را، که عبارت از محوطه‌ای به وسعت ۱۲۰ متر مربع است تأمین نمود و نیز سایه‌بانی در مقابل این محوطه مانند سایه‌بان بین صفا و مروه ساخته شود.

۲- حضرت آقای سید محمدتقی طالقانی که از طرف حضرت آیت‌الله بروجردی برای سرپرستی و هدایت جماعت شیعی مدینه، موسوم به نخاوله، که عبارت از پنج الی شش هزار نفر از عناصر کارآمد و مؤثر مدینه می‌باشند، اعزام شده‌اند، موقعیت خوبی در میان

آن‌ها احراز نموده و با کمال جدیت مشغول انجام وظیفه می‌باشند. در این چند روز با استفاده از دید و بازدیدها، ایشان را با مقامات رسمی مدینه مربوط نموده و از همه تقاضا شد لازمه مساعدت را درباره ایشان دریغ نمایند.

یک روز هم به اتفاق وزیر مختار مصر به بازدید ایشان به تکیه نخاوله رفتیم که جمعی از رؤسای آن‌ها، آن‌جا را به‌طور آبرومندی آراسته بودند و از هر دو پذیرایی صمیمانه‌ای به عمل آمد. فعلاً وضعیت ایشان در مدینه بسیار راحت و خوب و مورد توجه می‌باشند و الحق از حیث رفتار و اخلاق و متانت نیز بهترین انتخابی بوده است که از طرف حضرت آیت‌الله العظمی به عمل آمده است.

وزیر مختار شاهنشاهی - مظفر اعلم

پاسخ به نامه مظفر اعلم

در پاسخ این نامه، آقای فضل‌الله نبیل، معاون کل وزارت امور خارجه و رئیس کمیسیون دائمی حج، طی نامه شماره $\frac{۶۷۷۲۳}{۳۱۳۴}$ مورخ $\frac{۱۳۳۰}{۱۱/۲۰}$ خطاب به آقای مظفر اعلم چنین می‌نویسد:

بازگشت به نامه شماره ۴۰۲ مورخه ۱۳۳۰/۹/۲۱ اشعار می‌دارد:

۱- راجع به وضع تأسف‌انگیز قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام در بقیع، که از نزدیک ناظر آن بوده‌اید، البته آن منظره مایه کدورت خاطر جمیع شیعیان می‌باشد و امید است با جدیت کامل و کوشش اولیای وقت در مرکز، همان‌طور که پیشهاد فرموده‌اند موافقتی از دولت عربستان سعودی تحصیل و آن قبور را از حال فعلی خارج نمایند.

۲- درباره آقای سید محمد تقی طالقانی و اقداماتی که نامبرده در ترویج دین مبین اسلام بین جماعت نخاوله مدینه نموده، اشاره شده بود. این موضوع مایه افتخار ایرانیان و بنابر تذکری که در آخر نامه فوق‌الذکر داده بودید، به خدمت جناب آیت‌الله العظمی آقای بروجردی معروض گردید و رونوشت آن نیز از نقطه نظر تشویق آقای طالقانی توسط آن سفارت شاهنشاهی به ایشان ابلاغ می‌گردد.

ضمناً به اطلاع جناب عالی می‌رساند که وصول نامه ۴۰۲ و اقداماتی که برای مشاهده مدینه طیبه و قبور ائمه اطهار در بقیع فرموده بودید، مورد

تمجید و تحسین کلیه علاقمندان و
اعضای کمیسیون دائمی حج قرار گرفت.

معاون کل وزارت امور خارجه

فضل الله نبیل

نامهٔ دوّم مظفر اعلم

مظفر اعلم در پاسخ به تلگراف
شمارهٔ ۱۷۸۲ خطاب به وزارت امور
خارجه می‌نویسد:

جده، ۲۷ اسفند ۱۳۳۰

دفتر محرمانه، شماره ۸۲

وزارت امور خارجه

در پاسخ تلگراف شمارهٔ ۱۷۸۲
معروض می‌دارد:

این جانب موضوع بقیع را هیچ‌گاه از
نظر دور نداشته و علاوه بر وظایف و
دستورات اداری، وظیفهٔ دینی خود
می‌دانم که تا حد امکان در این باب اقدام
و اتمام نمایم و پیوسته در صدد به‌دست
آوردن فرصت مناسبی باشم که این
موضوع را با مقامات مؤثر کشور که فعلاً
بعد از خود پادشاه، امیر فیصل
نایب‌السلطنه حجاز و وزیر خارجه است
در میان نهاده و مذاکراتی را که در زمان
سفارت جناب آقای دشتی در قاهره، در
این زمینه با امیر معظم‌له شده و بی‌نتیجه

مانده بود، تجدید نمایم. ولی به‌طوری‌که
در گزارش محرمانه ۳۰-۳۰/۷/۲۵ عرض
شده است، در این مدت پنجاه و اندی که
این جانب در جده می‌باشم، معظم‌له بیش
از چند روزی در جده نبوده و پیوسته در
ریاض یا در شکارگاه بوده است و
فرصت ملاقات ممتد و مناسبی به‌دست
نیامده است. چند روز دیگر عازم ایتالیا
است و مقتضی نیست فعلاً با ایشان در این
مسائل وارد بحث شویم.

و اما راجع به مذاکرات آقای دشتی
هیچ‌گونه پرونده و سابقه‌ای در این
سفارت نیست، ولی از قرار اظهار آقای
آزرمی که در آن مذاکرات حضور داشته
است و در گزارشهای قاهره منعکس
است، امیر فیصل روی توافقی نشان نداده



و متمسک به مشکلات مذهبی و عقیده‌ای گردیده و اظهار داشته است ممکن است هیئت علمی ایرانی در این زمینه با علمای ما وارد مباحثه شده و آن‌ها را با ادله شرعیه متقاعد نمایند و یا خود معجب شوند و نتیجه عدم امکان این امر را؛ یعنی احیای قبر را خاطر نشان نساخته است و این جانب نیز در مطالعاتی که در این مدت به عمل آورده‌ام، چنین استنباط کرده‌ام که علمای وهابی در عقاید خود بسیار متعصب و در امور مذهبی بر هیئت حاکمه مسلط می‌باشند و تصور نمی‌رود در زمینه ساختن و پوشانیدن قبور موافقت بنمایند.

ولی به‌طوری‌که در آن گزارش عرض شده است، فعلاً در نظر دارم در باب ساختن سایه‌بانی در بقیع، در مقابل قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام، مانند سایه‌بان میان صفا و مروه مذاکره نموده، اگر بتوانم تا این اندازه موافقت آن‌ها را تحصیل نمایم، به عقیده بنده قدم بزرگی خواهد بود؛ زیرا ممکن است در ضمن ساختن

چنین سایه‌بانی، محوطه قبور را هم سنگ‌فرش نموده، از صورت حالیه خاکی، خارج نموده و این مذاکره را در اولین فرصت مناسب با شخص خود امیر فیصل خواهم نمود.

این بود نظریه این جانب در باب مذاکرات بقیع. حال هرطور دستور می‌فرمایید از این قرار مذاکره نموده، نتیجه را به عرض خواهم رسانید، لذا خواهشمندم تا قبل از مراجعت ایشان از ایطالی^{۱۳} نظر عالی را ابلاغ نمایید.

گزارش دبیر اول سفارت

به دنبال این گزارش، مجدداً در تاریخ ۱۳۳۱/۱/۲۰ دبیر اول سفارت ایران در جده، آقای کاظم آزر می، گزارشی به این شرح به تهران مخابره می‌کند:

شماره محرمانه: ۸

تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۲۰

محرمانه

وزارت امور خارجه

در تعقیب گزارش محرمانه

با متصدیان و مهندسين توسعه حرم شريف و ديگران، جداگانه مذاکره نموده و تأکید شد که فعلاً با ساختن سایه‌بان شایسته‌ای حتی المقدور در تنظیف و ترتیب آن محوطه نیز اقدام نمایند.



شماره ۸۲، مورخ ۱۳۳۰/۱۲/۲۷ راجع به تعمیر قبور ائمه بقیع علیهم السلام با وجود اینکه هنوز پاسخ گزارش مزبور و دستور مجددی در این باب نرسیده بود، چون جریان کار ایجاب می کرد جناب آقای وزیرمختار برای رسیدگی به موضوع اماکن متبرکه مزبور و مراقبت اقدامات اولیای امور، دولت سعودی در اصلاح وضع آن جا به مدینه مشرف شوند، ساعت ۵/۳۰ بامداد امروز با هواپیما به آن جا پرواز نمودند. آقای سیدمحمد خزانه (سیدالعراقین) هم که دو روز قبل به حجاز آمده بودند، به اتفاق جناب آقای اعلم به مدینه رفتند و پس از سه روز توقف در آن جا، مستقیماً به قاهره عزیمت خواهند نمود.

چون امروز پست فرستاده می شد و جناب آقای وزیرمختار مجال دادن گزارش این امر را نداشتند، به بنده دستور فرمودند، جریان را به طور اجمال مطابق دستور معظم له به شرح زیر برای مزید استحضار به عرض برسانم تا خود پس از بازگشت مفصل، جریان را گزارش دهند. به طوری که در گزارش شماره ۸۲ مورخ ۳۰/۱۲/۲۷ هم به عرض رسانید، چون انتظار می رفت مذاکره راجع به تعمیر

قبور و پوشاندن آن ها به علت تعصب علمای وهابی نجدی به جایی نرسد، لذا همان طوری که در گزارش محرمانه شماره ۵۲ مورخ ۳۰/۹/۱۷ معروض شده، راجع به بنای دیواری برای محوطه بقیع و تنظیف آن و ساختن سایه بانی در نظر داشته مذاکراتی به عمل آورند و موافقت اولیای امور را به این قسمت جلب نمودند و معتقدند که این عمل، قدم بزرگی در این راه خواهد بود و ممکن است بعداً به یاری خداوند متعال موفق شوند با تغییر اوضاع و احوال، به تدریج قدم های بزرگ تری در این راه بردارند.

به قراری که آقای سیدالعراقین هم اظهار می داشتند، در ملاقاتی که با امسیر فیصل نایب السلطنه حجاز و امیر عبدالله فرزند ایشان به عمل آوردند، در این باب مذاکراتی نمودند، به ایشان هم گفته شد که به شهرداری مدینه دستور داده شده است دور قبرستان بقیع دیواری بکشند - که آن را مصون داشته و از وضع فعلی بیرون آورد - سایه بانی هم در آن جا برپا نمایند که زائرین را از آفتاب محفوظ دارد.

دبیر یکم سفارت - کاظم آزرمی

گزارش مظفر اعلم

آقای اعلم پس از بازگشت از مدینه، گزارشی به این شرح به تهران مخابره می‌نماید:

شماره محرمانه: ۹

جده، ۲۵ فروردین ۱۳۳۱

محرمانه

وزارت امور خارجه

پیرو گزارش محرمانه شماره ۸، مورخ ۳۱/۱/۲۰ راجع به بقیع، خاطر عالی را مستحضر می‌دارد، چون در باب ساختن سایه‌بانی از در بقیع تا مقابل محوطه قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام مذاکره و موافقت حاصل گردید. روز چهارشنبه بیستم فروردین به اتفاق آقای سیدالعراقین که از کراچی به این جا آمده و مورد پذیرایی دولت سعودی واقع گردیده بودند و در دنباله آن مذاکرات، با امیر فیصل و امیر عبدالله وزیر کشور نیز ملاقات نموده و آن‌ها نیز مذاکرات قبلی را تأیید کرده بودند، به مدینه منوره رفته و اوامر هردو امیر را به امیر مدینه ابلاغ و به اتفاق ایشان به بقیع رفتیم و محل را از نزدیک معاینه نمودیم و قرار شد موضوع ساختن سایه‌بان به دایره توسعه حرم که مدتی است مشغول خالی کردن و

توسعه اطراف حرم مطهر نبوی می‌باشند، ارجاع گردد که ضمن کارهای جاری خود، موضوع بقیع را نیز انجام دهند. ضمناً با متصدیان و مهندسین توسعه حرم شریف و دیگران، جداگانه مذاکره نموده و تأکید شد که فعلاً با ساختن سایه‌بان شایسته‌ای حتی المقدور در نظیف و ترتیب آن محوطه نیز اقدام نمایند.

ظاهراً امیر مدینه که شخص نسبتاً مساعدی است، وعده مساعدت داده است تا در عمل حقیقت اظهارات و مواعید او معلوم شود. و نیز در نظر دارم به مجرد شروع به کار، حاجی رضا نام مهندس ایرانی را که چندین سال در مکه مقیم و مشغول کارهای ساختمانی است و با اغلب رجال مدینه سابقه آشنایی دارد، برای نظارت در کار بقیع به مدینه اعزام دارم که ضمن ساختن سایه‌بان، اکثر استفاده را برای سر و صورت دادن به محوطه قبور از قبیل تعمیر دیوار آن و سنگ‌فرش زمین و اصلاح و مرمت قبور بنماید که اقلأً از صورت اسفناک کنونی خارج شود و نیز بین سایه‌بان و محوطه قبور ائمه اطهار، نرده‌ای از آهن بکشد که زوار از پشت آن نرده زیارت کنند که از

طرف شدن با مستحفظین که مانع دخول در محوطه می‌باشند اجتناب شده باشد. در هر حال با تعصب شدیدی که حضرات راجع به موضوع قبور نشان می‌دهند، هر اصلاحی مقدور باشد مغتنم است. فعلاً به سید محسن عمران که از شیعیان است و در دایره مهندسی توسعه حرم شریف مشغول کار است، دستور داده‌ام، جریان کار را گزارش دهد که در صورت تعلل و تأثر، مجدداً به امیر عبدالله مراجعه نمایم.

پاسخ آقای کاظمی وزیر خارجه

آقای کاظمی در نامه‌ای به شماره ۴۹۸ مورخ ۳۱/۲/۱ خطاب به سفارت شاهنشاهی ایران در جده چنین می‌نویسد:

بازگشت به گزارش‌های شماره ۳۰ مورخ ۳۰/۷/۲۵ و ۵۲ مورخه ۳۰/۹/۲ و نامه شماره ۸۲ مورخه ۱۳۳۰/۹/۱۷، موضوع ساختن سایه‌بان در بقیع مقابل قبور ائمه اطهار، اشعار می‌دارد:

مذاکرات مقدماتی که برای ساختن سایه‌بان و گذاشتن دیوار نرده‌دار با مقامات مربوطه کشور عربستان سعودی به عمل آمده، منظور اصلی را که ساختمان اساسی قبور منوره باشد، تأمین نمی‌نماید. انتظار می‌رود که با اقدام

جدی و مؤثر و مذاکره با هر مقامی که صلاحیت داشته باشد، موضوع ساختمان اساسی و کامل قبور منوره را فراهم و نتیجه اقدامات خود را سریعاً اعلام فرمایید.

وزیر خارجه - کاظمی

نامه خطاب به کمیسیون دائمی حج

مظفر اعلم در تاریخ ۳۱/۱/۲۶ در نامه‌ای به شماره ۸۸ خطاب به اداره کمیسیون دائمی حج در وزارت خارجه می‌نویسد:

عطف به نامه مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۲۰ شماره ۶۷۷۷۳/۳۱۳۴ راجع به وضع تأسف‌انگیز قبور ائمه اطهار در بقیع اشعار می‌دارد که: در نتیجه ملاقات و مذاکرات قبلی با والا حضرت امیر فیصل وزیر امور خارجه و نایب السلطنه حجاز و فرزندش امیر عبدالله وزیر کشور و موافقت ایشان با ساختن سایه‌بانی از در بقیع تا مقابل محوطه قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام، روز چهارشنبه بیستم فروردین ماه جاری به اتفاق آقای سید محمد خزانه (سیدالعراقین) که از کراچی به این جا آمده بود، به مدینه منوره رفته و با امیر مدینه ملاقات نموده، متفقاً به بقیع رفته و





محل را از نزدیک معاینه نمودیم. قرار شد موضوع سایه بان را به اداره توسعه حرم مطهر نبوی ارجاع نمایند که ضمن کارهای جاری خود، موضوع بقیع را انجام دهند و با متصدیان و مهندسین و رییس شهرداری و دیگران نیز جداگانه مذاکره لازم به عمل آمد و در نظر دارم به مجرد شروع به کار، آقای حاج رضا مهرآیین، مهندس ایرانی را که مورد توجه والا حضرت امیر عبدالله وزیر کشور می باشد و در مکه و طائف و جده، ساختمان هایی بنا نموده است برای نظارت در کار بقیع به مدینه اعزام دارد که ضمن ساختن سایه بان، اکثر استفاده را برای سر و صورت دادن به محوطه مزبور، از قبیل تعمیر دیوار و سنگ فرش زمین و در صورت امکان اصلاح و مرمت قبور بنماید که اقلأ از صورت

اسفناك فعلی خارج شود و بین سایه بان و محوطه قبور ائمه اطهار، نرده ای از آهن بکشند که زوار از پشت این نرده زیارت کنند و با مستحفظین تماس پیدا نکنند. خواهشمند است مبلغ دوست لیره استرلینگ برای کرایه رفت و آمد و بعضی خرج های مهندس مزبور در اختیار این سفارت بگذارند. البته صورت هزینه آن بعداً ارسال خواهد شد.

وزیر مختار شاهنشاهی - مظفر اعلم

نامه دیگر به کمیسیون حج

ایشان مجدداً موضوع را از طریق وزارت امور خارجه پیگیری و در مورخ ۱۳۳۱/۳/۱۲ مجدداً در نامه ای شماره ۲۵۷ به کمیسیون دائمی حج نوشته چنین می نویسد:

عطف به نامه مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۲۰ شماره ۳۱۳۴ - ۶۷۷۷۳





اشعار می‌دارد که چندی است از والاحضرت امیر عبدالله فیصل (کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری) نامه‌ای به‌عنوان امیر مدینه منوره گرفته شده که در آن سفارش گردیده که با آقای حاج رضا مهرآیین، مهندس ایرانی، هرگونه کمک و همراهی شود تا در ساختن سایه‌بان و دیوار بقیع از هنر و مهارت او استفاده گردد. ولی هنوز اعتباری که معادل دوپست لیره استرلینگ در نامه مورخ ۱۳۳۱/۱/۲۶ شماره ۸۸ برای مخارج مربوط به این قسمت خواسته شده بود، نرسیده و در انتظار رسیدن وجه مزبور می‌باشیم. امیدواریم در ارسال وجه مذکور تسریع گردد تا از این فرصتی که پیش آمده، استفاده شود و اقدامات لازم برای ساختن سایه‌بان و دیوار بقعه مبارک به‌طور آبرومندی به‌عمل آید.

وزیر مختار شاهنشاهی - مظفر اعلم

ایجاد سایبان کافی نیست

آقای کاظمی وزیر امور خارجه وقت، در نامه دیگری خطاب به سفارت ایران در جده می‌نویسد:
بازگشت به نامه محرمانه

مورخه ۱۳۳۱/۱/۲۵ راجع به تعمیر قبور شماره ۹
ائمه اطهار علیهم‌السلام و ایجاد سایه‌بان در بقیع، با اظهار قدردانی از زحماتی که در این زمینه، از طرف آن سفارت شاهنشاهی و

نامه‌ای به‌عنوان امیر مدینه منوره گرفته شده که در آن سفارش گردیده که با آقای حاج رضا مهرآیین، مهندس ایرانی، هرگونه کمک و همراهی شود تا در ساختن سایه‌بان و دیوار بقیع از هنر و مهارت او استفاده گردد.

جناب آقای مظفر اعلم به‌عمل آمده است، می‌نگارد:

به‌طوری که استحضار دارند، تعمیر قبور بقیع مورد علاقه مخصوص عموم ایرانیان بوده و همواره تقاضا دارند اقدامات مؤثری در این زمینه بشود، ولی البته تصدیق می‌فرمایند که اگر پس از این همه کوشش و فعالیت و اقدام، اکنون فقط به ایجاد سایه‌بان که آن هم معلوم نیست به چه نحو ساخته خواهد شد قناعت شود، نظر آقایان علمای عظام تأمین نشده و قطعاً مراجعات محافل مزبور به وزارت امور خارجه ادامه خواهد داشت.

بدیهی است وزارت امور خارجه از اشکالات کار و مخالفت‌های اساسی اولیای امور دولت عربی سعودی استحضار دارد و به خوبی آگاه است که همین موفقیت در ساختن سایه‌بان نیز، در اثر کوشش‌های آن سفارت شاهنشاهی حاصل شده است. ولی به نظر وزارت امور خارجه، بهتر است اقدامات سابق تعقیب و سعی شود مقامات مربوطه دولت عربی سعودی با تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام و ایجاد ساختمان آبرومندی در بقیع موافقت نمایند.

در هر صورت لازم است قبل از شروع ساختمان سایه‌بان مورد بحث، اطلاعات بیشتری راجع به آن و حتی الامکان نقشه سایه‌بان مذکور را به وزارت خارجه ارسال نمایند.

ضمناً توجه آن سفارت شاهنشاهی را به این نکته جلب می‌نماید که آقای سیدالعراقین به هیچ وجه سمتی نداشته و سفارت شاهنشاهی باید از دخالت ایشان در این امر جداً جلوگیری نماید.

وزیر امور خارجه - کاظمی

انعکاس خبر بازسازی

انتشار خبر بازسازی بقیع، موجب

خوشحالی علما، مراجع و شیعیان گردیده، برخی مطبوعات عراق اقدام به درج آن کردند و رادیو ایران نیز خبری در این زمینه منتشر کرد.

مرحوم آیت‌الله حسن سعید، آقازاده مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی که سال‌ها در مسجد جامع تهران (مسجد امام فعلی) اقامه نماز جماعت می‌کردند و در آن تاریخ، حدوداً سه سال بود که در نجف مشغول به تحصیل بودند، در ۲۳ رجب سال ۱۳۷۱ ه. ق. در این رابطه نامه‌ای به این شرح خطاب به مظفر اعلم می‌نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند مرقومه‌ای از جناب حجة الاسلام آقای طالقانی زیارت گردید که حاکی بود از تشرّف جناب عالی به مدینه منوره و صدور قرار برای ساختمان سایه‌بان و دیوار جهت ائمه بقیع و حقیقتاً این خبر، مسرت و سروری در جامعه علمی و دینی نجف ایجاد نمود که کم‌سابقه بود و چقدر جای خوشبختی است در این موقع که حضرت عالی به‌عنوان سفارت، تشریف برده‌اید، این خدمت شایان را انجام داده و این موفقیت

قابل تقدیر برای جامعه تشیع مخصوصاً ملت ایران که همیشه پرچمدار ولای اهل بیت علیهم السلام بوده به وجود آمده است و راستی این بزرگترین سعادت است که برای شخص جناب عالی، خصوصاً و کسانی که در این راه سعی و کوشش نموده‌اند عموماً، پیش آمده و ان شاء الله روزی همان اعتقاد کاملی که در کمون ذات جناب عالی موجود است، سعی بلیغ فرموده که از این فرصت حداکثر استفاده به دست آید و قلوب شیعه که سال‌هایی است جریحه‌دار گشته، التیام پذیرد و جامعه تشیع مخصوصاً، ملت ایران در سایه توجهات ائمه اطهار علیهم السلام به اوج عظمت و رفعتی که در خور است نایل آید. حضور جناب علامه جلیل آقای حاج سیدالعراقین که در این کار اقدامات مؤثری نموده و زحماتی بر خود هموار ساخته‌اند با عرض سلام و ارادت تبریک، موفقیت کامل معظم‌له را خواستار، در خاتمه دوام عزت و سعادت آن جناب را از درگاه حضرت باری تعالی مسألت. با تقدیم احترامات فائقه.

ضمناً بنا به اشاره جناب آقای

طالقانی، با مراجع تقلید و بزرگان از علمای نجف مذاکراتی به عمل آمده که تلگرافات و مکاتیبی به عنوان تشکر از دولت سعودی در خصوص این عمل بشود، مضافاً بر تشکراتی که از اولیای امور دولت ایران می‌گردد و قرار شد که پس از شور، ترتیبی اتخاذ شود و چون ممکن است دولت سعودی اشخاص آنها را تطبیق نموده، اعادی تلقی نمایند، لذا مستدعی است مقرر فرمایید مراقبت فرمایند که رعایت احترامات لازمه بشود. به تهران هم مکاتیبی نوشته شده و تصور می‌رود اقداماتی بنمایند و تلگرافات یا نامه‌هایی بنویسند، ولی تظاهرات عمومی به بعد موکول گردیده است.

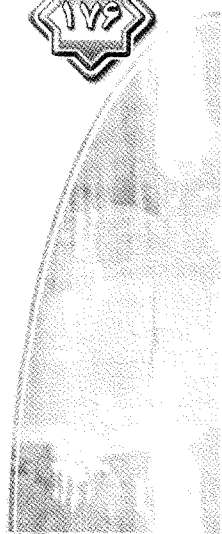
ادام‌الله بقائکم

نجف ۲۳ رجب ۱۳۷۱ هـ.

حسن سعید

نامه مرحوم آیه العظمی حکیم علیه السلام

مرحوم آیت‌الله العظمی آقای سید محسن حکیم، از مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف نیز در تاریخ اول شعبان ۱۳۷۱ هـ. ق، نامه‌ای در این زمینه مرقوم فرموده و از خبر بازسازی بقیع اطهار



خرسندی می‌کنند. متن نامه به خط آیت‌الله حسن سعید است که احتمالاً وی آن را نوشته و مرحوم آقای حکیم آن را

تشیع اظهار شادی نماید که خداوند متعال آن‌ها را موفق به چنین خدمتی نموده است. خداوند به کسانی که در

انتشار خبر بازسازی بقیع، موجب خوشحالی علماء، مراجع و شیعیان گردیده، برخی مطبوعات عراق اقدام به درج آن کردند و رادیو ایران نیز خبری در این زمینه منتشر کرد.

مهر و امضا کرده‌اند و یا آنکه آقای حسن سعید نامه را به فارسی ترجمه و با خط خود آن را نوشته است.

متن نامه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند ان شاء الله مزاج شریف سلامت است و توفیقات ربانی شامل حال می‌باشد. مرقومه‌ای از جناب مستطاب عمدة العلماء الاعلام، ملاذ الاسلام آقای حاج سید محمدتقی طالقانی - دام عزّه - واصل شده که بحمدالله و المنة موضوع تعمیر قبور ائمة بقیع علیهم السلام به صورت بناء مظلّه و تعمیر حائط، مورد تصویب دولت قرار گرفته و شروع به عملیات نموده‌اند.

بی‌نهایت این خبر در قلوب شیعه ایجاد بهجت و سرور نموده و حقیقتاً از همه جهت سزاوار است که جامعه

طول این مدت طویل، برای انجام این کار قدم برداشته‌اند اجر جزیل عنایت فرماید و سرکار عالی که در این راه خدماتی انجام داده و بحمدالله توفیق پیدا کرده، که در موقع تصدی جناب عالی این موضوع صورت عملی به خود گیرد، طول عمر عنایت فرماید که همیشه خدمات شایانی به شرع و متدینین بفرمایید و سعادت دارین را حاصل نمایید.

ضمناً چون این امر مورد علاقه جامعه شیعه، بلکه مسلمین است و باید کاملاً مورد دقت قرار گیرد تا به خواست خداوند متعال به صورتی که در خور مقام معصومین است درآید، لذا جمعی از علماء و مؤمنین درخواست نمودند که علاوه بر اظهار تشکری که از دولت و اولیای امور دولت علیّه ایران می‌شود، تلگرافات و مکاتیبی به عنوان دولت سعودی مخابره گردد تا جلب

عواطف آن‌ها نیز گردیده و در آینده بتوان از مساعدت آن‌ها استفاده نمود. بعضی هم معتقد بودند که فعلاً زود است، چون علما و مراجع بایستی در خاتمه عمل اقدامی به‌عنوان تشکر به‌عمل آورند، لذا بنا بر این شد که از جناب عالی استفسار شود که شرح مفصل و طرز ساختمان را با هرگونه اقدامی که مقتضی می‌دانید که با وضعیات محلی و طرز فکر مطابقت دارد، مرقوم داشته و خاتمه ساختمان فعلی را اعلام فرموده تا آن‌چه میسر است عمل شود، بلکه به‌خواست

خداوند متعال و توجهات ائمه اطهار علیهم‌السلام رفع این نگرانی عمومی شده و با حسن درایت و تدبیر آن‌جناب به‌صورت مطلوبی خاتمه پیدا کند. توفیقات جناب‌عالی را از پروردگار مسألت دارم.

فعلاً هرگونه ابراز تشکری که صلاح است از طرف این‌جانب و جامعه روحانیت از دولت و کسانی که در این کار شرکت داشته‌اند معمول فرمایید، موجب دعاگویی است.

محسن الطباطبایی الحکیم

شنبه، غرة شعبان ۱۳۷۱ ه. ق



پاسخ مظفر اعلم به آیت الله حکیم

آقای مظفر اعلم در تاریخ ۱۶ شعبان المعظم ۱۳۷۱ در پاسخ به نامه مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم چنین می نویسد:

به عرض عالی می‌رسانند:

نامه مورخ ۲۹/۱/۲۹ غره (یکم) شعبان ۱۳۷۱ جناب عالی که دایر بر قدردانی از اقدامات برای ساختن سایبان جلو قبور مطهر ائمه اطهار بقیع علیهم السلام بود، موجب نهایت امتنان و تشکر گردید، این جانب وظیفه دینی خود می‌دانم که نهایت کوشش و جدیت را در این باره مبذول نمایم تا به یاری خداوند متعال بعدها وضع قبور ائمه اطهار علیهم السلام به صورت رضایت بخش درآید. و من الله التوفیق و علیه التکلان.

اینکه جمعی از علما و مؤمنین می‌خواهند تلگرافاً یا کتباً از دولت عربی سعودی قدردانی بفرمایند، ابداً صلاح نیست و خواهشمندم به آن‌ها بفرمایید که چنین کاری نفرمایند؛ زیرا موضوع را بکلی از بین می‌برد و اقدامات سابق را بلااثر می‌گذارد، چه، وهابی‌ها با تشییع^{۱۴} قبور مخالف هستند.

این جانب از اولیای امور دولت عربی سعودی در موقع مناسب به‌طور مقتضی تشکر خواهم نمود و همین روزها یک نفر مهندس ایرانی را به مدینه می‌فرستم که نظارت نماید تا سایه‌بان به‌طور خیلی آبرومند برپا شود.

امیدوارم ادعیه جناب عالی و حضرات علمای اعلام و مؤمنین در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برای این جانب بهترین موفقیت در امور خیریه نصیب نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مظفر اعلم

مظفر اعلم پاسخی نیز مشابه آنچه برای مرحوم آیت الله العظمی آقای سید محسن حکیم علیه السلام فرستاده بود، برای مرحوم آیت الله سید حسن سعید ارسال داشته است.

نامه مرحوم آیت الله هبة الدین شهرستانی

مرحوم آیت الله سید هبة الدین شهرستانی نیز در تاریخ ۲۰ شعبان ۱۳۷۱ ه.ق. از بغداد نامه‌ای خطاب به مظفر اعلم نوشته و چنین مرقوم نموده‌اند:

پیوسته از درگاه ایزدی مزید عزّت و خورسندی و دوام سلامتی و سعادت‌مندی را برای آن دوست بزرگوار صمیمانه خواستار و از قصور یا تقصیر در عریضه‌نگاری و سپاسگزاری شرمسار و در اعتذار شهدا و کفی به شهیدا، غالباً به ذکر خیر و یاد خوش آن جناب مترنم و از طول فراق متألم، مخصوصاً از اسناد این وظیفه با اینکه خیلی شریفه و کثیرة‌النفع است و عموم اسلامیان و خصوص ایرانیان...^{۱۵} ولی چون آب جده و حجاز ملایم با مرض ترش معده نیست، نگران مانده‌ام و منتظرم یک ساعت زودتر یا حضرت‌عالی به بغداد تشریف‌فرما شوید و یا اینکه بنده به تهران برسم و حقاً بدانید که در این چندماهه مخلص مریض و بستری، به‌علاوه چند مانع دیگری که قادر بر مراسله نبوده و همین حال مرا در مکاتبات احباب مقصر نموده تا آن‌جا رسیده که جناب اشرف عالی، در کارت، آقامحمدتقی شهرستانی قصور داعی را به کم‌لطفی تعبیر فرموده و همین علالت و کسالت مزاجم باعث عدم اجابت آقایان پاکستانی گردیده، که نتوانستم دعوت‌های آن‌ها را اجابت نمایم و در

این مرحلهٔ اخیر، مخلص زاده سید جواد را به عوض خود فرستاده و بایستی امشب با طیاره آن‌ها عودت نماید و در مرحلهٔ پیش از این، جناب آقای کاشف‌الغطا را فرستادیم، ولی افسوس که خیلی برخلاف میل مردم آن‌جا و مردم این‌جا سلوک فرموده‌اند، اگرچه در مراجعتشان ما را امیدوار فرمودند که استحصال اذن تعمیر بقیع شریف را به واسطهٔ سفیر سعودی، عبدالحمید خطیب و نوشتهٔ رسمی او به پادشاه حجاز و... لیکن با کمال تأسف رییس وفد ایرانی به‌سوی پاکستان؛ یعنی آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای تصریح نمودند که از سفیر سعودی مشارالیه تحقیق این معنی را نمودیم، قسم یاد نمود که من هرگز به دولت متبوعهٔ خودم یا به غیر آن‌ها چیزی در این باب ننوشته‌ام و ممکن نیست بنویسم؛ زیرا که خلاف مذهب آن‌ها است و اگر چنین توسطی بنماییم تولید اشکال برای من خواهد نمود، سپس گفت که شخصی با کاشف‌الغطا بود (یعنی سیدالعراقین) درخواست نمود با اصرار شیخ که سفارشی برای اکرام و احترام شخص او بنویسم، من هم مانعی ندیده نوشتم و به او دادم. خلاصه، این سوء تصرفات



سیدالعراقین و نشریات و تنویهات او خرابی و انقلابی تولید کرده که دود و شراره این آتش دنباله‌های بدی دارد و در هرجا با حضرت شیخ متفقاً استشهاد به مراسلات و بیانات ملازمان حضرت عالی و عکس و منقولات مزیفة و... و...^{۱۶} می‌نمایند (تا چه شود).

باری، آقایانی که از عمرهٔ رجبیه رجعت نمودند؛ خصوصاً آقای شیخ‌العراقین و آقا سید ابراهیم شهرستانی، اسرار سیدالعراقین را فاش و حقایق را بر همه روشن ساختند و توجهات عالیه را نسبت به داعی و خدمات جلیلهٔ آن جناب را نقل و نقل مجالس نموده‌اند و ضمناً بشارت تشریف‌فرمایی موکب عالی را به مخلص داده‌اند، خواهشمندم که ورود حضرت عالی در بنده منزل که منزل خودتان است قرار فرمایید و مانند وعدهٔ سه‌سال قبل تخلف نشود، دوستان همه به عرض ارادت مترنم با مخلص.

در حاشیه آمده است:

جناب آقای سفیر کبیر ایران، حسین قدس نخعی، به عرض اخلاص و سلام بالاختصاص و ذکر محامد و مناقب

جناب عالی رطب‌اللسان و خانواده با تمام مخلص زادگان به عرض دستبوسی مصدع‌اند.

هبة‌الدین الحسینی الشهرستانی

۳۰ شعبان ۱۳۷۱

پاسخ به نامهٔ آقای شهرستانی

مظفر اعلم در تاریخ شنبه ۲۹ رمضان ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱/۴/۱ در پاسخ، نامه‌ای خطاب به آیت‌الله آقای سید هبة‌الدین شهرستانی نوشته و پس از تعارفات می‌نویسد:

چندی قبل، اعلیٰ رقیمهٔ کریمه شرف وصول بخشید، از الطاف و سجایای کریمهٔ جناب عالی همیشه سپاسگزار هستم. امیدوارم بعد از ادای فریضهٔ حج، زیارتی نصیب ما شود که چند روزی به زیارت عتبات عالیات و تجدید دیدار حضرت آیت‌الله موفق شوم. راجع به بنای سایه‌بان در برابر قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام به طوری که مستحضر هستند، آقایان با انتشارات بی‌اساس خود موضوع را متزلزل کردند، باز مایوس نیستم و با نهایت جدیت، کوشش می‌کنم که سر و وضعی به آن‌جا داده شود و مطمئن

نامه آقای هیبة الدین

بسم الله الرحمن الرحيم

بعض عالی میسراند
 پیوسته از دستگاه ایزدی مزید عزت و خرمندی و در آن
 مساعیتمندی را برای آن دوست بزرگوار صید نه خیر روز
 قصور یا تقصیر در عین کمال و پناگزاران مکرر سار و در
 شهدایم و کتب به شهادت عالمی مذکور و یاد خوش آن
 مترجم و از طول فراق منحصراً از اسناد این
 بالنتیجه شیخ شریف و کثرت التماس و محرم است
 و ضمن ایرانیان و طبعی آن جده و حجاز
 محرم با مرض ترش معده نیست گمان باندن ام
 و مشغول یک عت زودتر یا حرمی است
 شریف و شایسته و بالنتیجه بنده تیران برسم
 و حتماً بلیغ که در این چند ماه منحصراً
 و بستر معلوم چند مانع دیگری که قادر

بر ملاحظه بنوده و همین حال سرا در مکاتبات اصحاب
 مقصود بنوده تا آنجا رسیده که حساب شریف علی در کتاب
 با منتهی شرفنامه قصور را می که کم نظیر تصویر فرموده
 و همین عیال و کت کتابت مزاج باعث عدم اجتناب
 آفتابان با کتبات گردیده که نتوانستم و عورتی
 آنرا اجابت نام و در این مرحله الهیه
 منحصراً زاده بینه جواد را بعضی موقوفه بنده
 و بالنتیجه است با ضایع آنرا عیال نامه
 و در مرحله بیست و نهم حساب های کت
 و شایسته و آنرا که خیر بر خلاف میل مردم
 ایجا و مردم اینا سک فرموده اند . اگر چه
 در راحت آن مارا امیدوار فرمودند که احتمال
 از این تصویر شریف را واسطه میسر بودی

عبد حمید خلیف نوشته رسمی او بیارم . حجاز و در
 کتب با کمال تأمل نیست و فدا زاده نبی با کت
 یعنی برای حاج بر اخذ کتای تعریف نموده که از
 نیز نمودی مشارالیه تحقیق این معنی را میزوم قسم
 یاد نمود که من بجز دولت بتیوم خودم تا غیر
 آنرا چیزی در این باب ننویسم و ممکن نیست
 بنویسم زیرا که خلاف مذهب آن است و اگر
 چنین توسط تمام تولید احوال برای من خواهد بود
 پس گفت که شغف ما کت الفطری بود (یعنی
 شایسته المراقبین) درخواست خود را (مراقبین)
 که شایسته برای اکرام و احترام شخصی او بنویسم
 من هم سانه بنده نوشتن زیاد دارم
 خلاصه این سوره تعزات شایسته المراقبین و
 شریات و تعزات او خواهد و انقلد تولید

کرده که در دسترس این اقسام لایزال می ماند
 و در هر جا با حضرت شیخ مستفاد استشهاد بر کت
 او بیانات موزان حرفت و عکس و مستوفات شریف بود
 (تاج شریف)
 باری آفتابی که از عزت وجه حضرت بودند
 حضور آقای شیخ المراقبین و آقا سید ابراهیم شریک
 ابرار سید المراقبین را فاضل و حقیقین را بر سر زمین
 ساخته و موجود عالم را نسبت به جامع و
 خلیل آن حساب را نقل و نقل مجالس نموده اند
 و صحت کت بر طرفت و یاد یک کتابخانه
 داده اند . خدا مستدکم که درود موقوفه بنده
 منزل که منزل خودتان است تکرار فرمائید و مانند
 و عهد شایسته قبل تحلف شود . در کت
 در بعضی از کت شریف با منحصراً
 هیبة الدین شریف
 (۱۳۷۱) شریف
 بنده -

تخریب بیع به روایت اسناد (۲)



هستم دعای علمای اعلام و مؤمنین و صالحین در پایان مرا موفق به این امر خیر خواهد نمود. لطفاً سلام وافر خدمت آقازادگان عزیز برسانید. التماس دعای مخصوص دارم و السلام خیر ختام. مظفر اعلم

نامهٔ وزیر دربار

علاء، وزیر دربار نیز در تلگرافی در تاریخ ۱۳۲۱/۲/۳ به مظفر اعلم می‌نویسد:

از قراری که جناب آقای سید محمدتقی نمایندهٔ حضرت آیت‌الله آقای بروجردی به معظم‌له اطلاع داده‌اند، دولت عربی سعودی درصدد است سایه‌بانی برای قبرهای امامان بقیع ایجاد نماید. خواهشمند است معلوم فرمایید از طرف دولت عربی سعودی چه اقدامی در این باب معمول گردیده و چه عملی از تشکر و تقدیر مناسب است که از طرف مقام سلطنت در مقابل انجام این امر از اعلی‌حضرت ملک ابن سعود به عمل آید؟ زودتر اطلاع دهید.

وزیر دربار شاهنشاهی، علاء

به دنبال پاسخ مثبت آقای مظفر

اعلم، علاء وزیر دربار، در تاریخ ۲۸

آوریل ۱۹۵۲، ۱۳۳۱/۲/۸ خطاب به اعلم چنین می‌نویسد:

جناب آقای اعلم - جده -

فعلاً که موافقت با ایجاد سایه‌بان شده است، اقدام فرمایید که از طرف ایرانیان هزینهٔ آن پرداخت شود و اعلی‌حضرت همایونی شاهنشاهی به اعلی‌حضرت ابن سعود چنین پیشنهاد بفرمایند وگرنه، لااقل تحت نظر ایران سایه‌بان به شکل آبرومندی درست شود. صریحاً نظر بدهید آیا اقتضا دارد که چنین تقاضایی از طرف پیشگاه بشود یا نه؟ و کار تا چه اندازه پیشرفت دارد.

هزار و سیصد و هفت

وزیر دربار شاهنشاهی، علاء

اعلم پاسخ می‌دهد که چنین پیشنهادی صلاح نیست و با آن موافقت نمی‌کند.

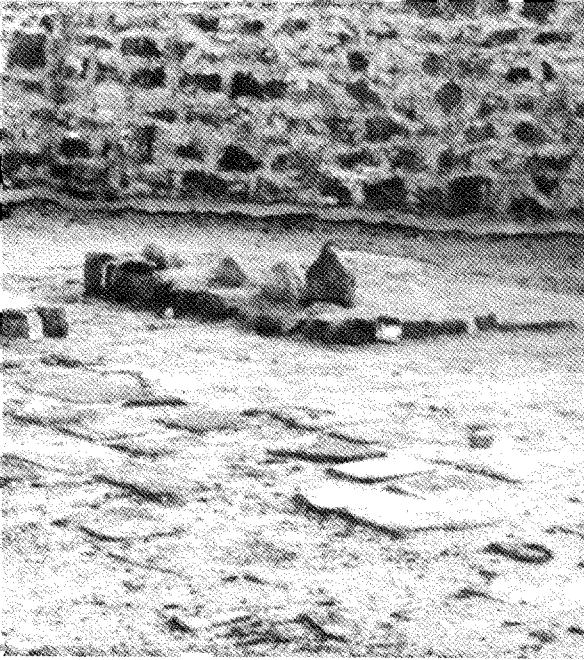
نامهٔ آقای سید ابراهیم شهرستانی

آقای سید ابراهیم شهرستانی نیز خطاب به مظفر اعلم می‌نویسد:

مقام منیع محترم حضرت مستطاب،

اجل اکرم عالی آقای مظفر اعلم - دامت

شوکت -



به عرض عالی می‌رسانم:

لازال دوام عزّ و شوکت و صحت و سلامتی وجود ذی‌جود محترم حضرت عالی را از درگاه احدیت جلّ اسمه خواهانم، به جاه محمد و آله الطاهیرین علیهم‌السلام.

بعداً آنکه لسان و قلمم الکن و قاصر است از آنکه بتوان شکر و امتنان از توجهات و مراحم مبذوله از ناحیه حضرت عالی را، نسبت به این دعاگوی صمیمی بنمایم و از زمان ورودم به عراق، در جمیع مجالس و محافل مترنم به اخلاق حسنه آن بزرگوار بوده و می‌باشم. قضیه تعمیر بقعه بقیع بفرنج عجیبی شده، آنچه مشاهداتم بود بیان کرده‌ام و لیکن از ناحیه حضرت آقای کاشف‌الغطا - دامت برکاته - به اغراء و تجاهلات سیدالعراقین در نجف و جاهای دیگر، انتشاراتی و بیانیه‌ای پخش شده، البته تکذیب حکومت سعودی را ملاحظه نموده‌اید، لذا نسخه‌ای از بیانیه آقای کاشف‌الغطاء را هم لفاً ارسال، ملاحظه بفرمایید. در خاتمه عزت و سعادت و ظفر و نجاح آن وجود ذی‌جود حضرت عالی را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته
سید ابراهیم شهرستانی

پاسخ مظفر اعلم

آقای اعلم در پاسخ به نامه آقای سید ابراهیم شهرستانی چنین می‌نویسد:

دوست عزیزم حضرت آقای سید ابراهیم شهرستانی - دام‌عزه - نامه گرامی که پر از الطاف و عواطف مهرآمیز بود، عزّ و وصول بخشید. آنچه وظیفه بود به عمل آوردم و خودمان را مقصر می‌دانیم و از خداوند تبارک و تعالی توفیق می‌خواهیم که بتوانیم هرچه بیشتر به حجاج ارجمندخانه پاک او، مخصوصاً برادران و دوستان خدمت نماییم.

برای تعمیر بقعه مطهر بقیع، کوشش‌های خود را بی‌سروصدا و آرام ادامه می‌دهیم و امیدواریم به

تدریج موقعیت‌هایی به دست آوریم، البته یآوری و همراهی دعوات برادران با ایمان و انفاس علمای بزرگوار دین شرط است و چون هدفی که ما داریم، بی‌شک مورد پسند خدای جهان و اولیای مقدس و معظم اوست، رجاء واثق داریم که دیر یا زود به مقصود برسیم، از لطف و مهربانی حضرت علامه، آقای سید هبه‌الدین شهرستانی نهایت تشکر و امتنان را دارم و خواهشمندم مراتب ارادت و عرض سلام مرا خدمت ایشان تقدیم دارید.

همکاران، آقایان راند و شریعت، از اظهار محبت شما سپاسگزارند و به عرض سلام مصدع هستند و التماس دعاء در حرم مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام دارند.

دولت سعودی تکذیب کرد

انعکاس خبر بازسازی بقیع و عدم رازداری و بی‌ظرفیتی برخی افراد و انتشار این خبر در رادیو و مطبوعات، موجب شد تا دولت سعودی بلافاصله عکس‌العمل نشان داده، آن را تکذیب نماید.

مظفر اعلم در این باره می‌نویسد:

شماره دفتر محرمانه: ۱۱

تاریخ ۱۳۳۱/۲/۹

محرمانه

وزارت امور خارجه

پیرو گزارش محرمانه شماره ۹، مورخ ۱۳۳۱/۱/۲۵ به عرض می‌رساند که، بعد از ارسال گزارش سابق، باز هم فرصتی حاصل گردید و با الاحضرت امیر عبدالله فیصل، کفیل نیابت سلطنت حجاز در مورد توجه به بقیع و ساختن سایه‌بان در مقابل قبور ائمه اطهار علیهم السلام مذاکره شد و ایشان وعده دادند که اقدامات مربوط به این امر به نحو عاجل شروع شود و به مقامات محلی دستور دهند که در هنگام شروع کار با نمایندگانی که از طرف سفارت برای مشاهده و کمک و راهنمایی می‌روند همراهی نمایند و نظرات و راهنمایی آنان را مورد توجه قرار دهند و در آن روز هم حضرت آقای سید محمد تقی طالقانی برای رفتن به مکه معظمه و ادای عمره مفرده، به جده تشریف آورده بودند و به ایشان مژده داده شد که الاحضرت امیر عبدالله نهایت حسن نیت و مساعدت را درباره این موضوع نشان می‌دهند. ولی از شنیدن این خبر در رادیو تهران، این



نگرانی به وجود آمد که مبدا انتشار و پراکنده شدن خبر این موضوع در رادیو و مطبوعات خارجی موجب شود که علمای متعصب ریاض و وهابی‌های دو آتسه، در صدد منصرف نمودن دولت سعودی از اجرای این تصمیم برآیند.

و نیز از آمدن آقای سید محمد خزانه (سیدالعراقین) به حجاز و فعالیت ایشان درباره همین موضوع، این بیم و نگرانی می‌رفت که مبدا ایشان در حجاز یا در خارج، اظهاراتی [نمایند] که با سیاست دولت عربی سعودی سازش نداشته باشد و موجب انصراف دولت مذکور از همین اندازه همراهی جزئی گردد.

و باید در ضمن این را هم به عرض برساند که مشارالیه، داوطلب رفتن به ریاض و ملاقات اعلی حضرت ملک ابن سعود گردیدند، ولی مقامات سعودی در جده به نحو احسن به ایشان فهماندند، که بهتر است از این عزم منصرف شوند، تا مبدا رفتن ایشان به ریاض مایه ایجاد بعضی گفتگوهای مذهبی گردد.

سپس تلگرافی از جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی رسید که در آن استفسار شده بود چگونه در این باره از

اولیای دولت سعودی سپاسگزاری به عمل آید.

در پاسخ به عرض رسید که: سفارت خود تشکر کرده و بهتر است فعلاً به همین اندازه اکتفا شود (رونوشت متن تلگراف و پاسخ آن به پیوست است).

ایسین جناب از وزارت دربار شاهنشاهی و از جناب آقای علاء نهایت تشکر و امتنان را دارم که قبل از هرگونه اقدامی از شخص مسؤول مقیم این جا، که از نزدیک شاهد جریان است و در نتیجه وقوف کافی به حقیقت امر دارد، مشورت فرمودند و اتفاقات بعدی که در ذیل به عرض می‌رسد ثابت نمود که این مشورت تا چه اندازه عمل صائب و به جایی بوده و موجب حفظ ارزش و احترام و اهمیت فوق العاده اقدامات دربار همایون شاهنشاهی گردیده است.

باری، متأسفانه بالاخره آن چه بیم آن می‌رفت واقع شد، بدین ترتیب که گویا آقای سیدالعراقین پس از مسافرت از حجاز، در عراق اظهاراتی نموده‌اند که موضوع را بزرگ‌تر از حقیقت واقع جلوه گر ساخته‌اند و مطبوعات عراق هم خبر مذکور را با شاخ و برگ زیاد منتشر نموده‌اند و در نتیجه دولت عربی سعودی



از ترس و ملاحظه اعتراض و انتقاد وهابی‌ها و علمای ریاض مبادرت به تکذیب خبر نموده است.
(متن تکذیب که با لحن خشکی صادر شده، با ترجمه آن به پیوست گزارش تقدیم می‌شود).

همان‌طور که احتمال داده می‌شود، کار ساختمان به تعویق افتد.
امسید است که حسن نیت والا حضرت امیر عبدالله و نظر مساعد ایشان به جلوگیری از توسعه عکس‌العمل تکذیب مذکور کمک کند.

انعکاس خبر بازسازی بقیع و عدم رازداری و بی‌ظرفیتی برخی افراد و انتشار این خبر در رادیو و مطبوعات، موجب شد تا دولت سعودی بلافاصله عکس‌العمل نشان داده، آن را تکذیب نماید.

اکنون بیم آن می‌رود که مبادا دولت سعودی حتی از ساختن سایه‌بان در مقابل قبور ائمه علیهم‌السلام و برپا کردن دیوار ولو برای مدت موقتی خودداری کند و بدین ترتیب دخالت اشخاص غیر مسؤول، زحمات کوشش‌های یک سفارت‌خانه را درباره موضوعی که مورد توجه مسلمانان جهان، خصوصاً ملت ایران و دولت شاهنشاهی است برباد دهد.

دیروز تلگراف دیگری نیز از جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی در این باره رسید که رونوشت متن آن به پیوست و واضح است که با جریان‌های اخیر، دیگر نمی‌شود فعلاً درباره این موضوع پیشنهاد جدیدی داد، یا اقدام تازه‌ای نمود و باید منتظر روشن شدن نظر قطعی دولت سعودی نسبت به این امر گردید و کوشش کرد که نقشه و تصمیم سابق به هم نخورد.

البته این جانب سعی بلیغ خواهد نمود که این اتفاق غیر مترقبه در جریان توافقی که حاصل شده مؤثر نگردد و مقامات سعودی از ساختن سایه‌بان و دیوار برای بقیع منصرف نشوند، لیکن اطمینان ندارد که مساعی ما در حال حاضر منتج نتیجه عاجل شود و شاید

وزیر مختار شاهنشاهی - مظفر اعلم
رونوشت نامه بالا، عطف به تلگراف ۱۰۳ برای استحضار وزارت دربار شاهنشاهی تقدیم می‌شود تا از اتفاقات جدیدی که در این باره رخ داده و وضع فعلی، امر استحضار حاصل فرمایند.

تکذیب خبر

سرانجام این نگرانی تحقق یافت و دولت سعودی رسماً خبر ترمیم و تعمیر و یا احداث ساختمان در قبرستان بقیع را تکذیب کرد.

متن تکذیبیه در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۵۲ مطابق با ۱۳۳۱/۲/۷ در روزنامه شماره ۱۱۷۱ روزنامه البلاد سعودی چاپ مکه مکرمه منتشر گردید.

روزنامه البلاد السعودیه چاپ مکه معظمه

شماره ۱۱۷۱ - ۲۷ آوریل ۱۹۵۲
(۱۳۳۱/۲/۷)

متن عربی

اشادة قبور ائمة البقیع انتشرت بعض الصحف العراقية و اذاعت بأنّ جلاله الملك المعظم قد وافق على اشادة قبور ائمة البقیع و أنّه قد بوشر فعلاً بالبناء فيها ذلك بناء على المساعي التي بذلها محمد حسين كاشف الغطاء بواسطة سيد العراقيين الذي سافر من النجف إلى الحجاز مزوداً بتوصيات الشيخ كاشف الغطاء و الحكومة العربية السعودية، إذ تكذب هذا الخبر تكذیباً قاطعاً تؤكد بأنّها لاتوافق على أمر يخالف الدين

الإسلامي الحنيف و أوامر الرسول - صلى الله عليه و سلم - و ما كان عليه السلف الصالح.

ترجمه فارسی

تعمیر قبور ائمه بقیع

بعضی از روزنامه‌های عراق انتشار و شهرت داده‌اند که اعلی حضرت با تعمیر قبور ائمه بقیع موافقت کرده‌اند و از هم‌اکنون کار تعمیر و ساختمان آغاز گردیده است و این را نتیجه فعالیت‌های محمدحسین کاشف‌الغطاء به توسط سیدالعراقین که با سفارش‌های شیخ کاشف‌الغطاء از نجف به حجاز آمده بوده است دانسته‌اند. دولت عربی سعودی در حالی که این خبر را جداً تکذیب می‌نماید، تأکید می‌کند او با امری که مخالف دین حنیف اسلام و دستوره‌ای حضرت پیغمبر -صلی الله علیه و سلم- و طریقه سلف صالح است موافقت نمی‌کند.

پی‌گیری‌های بعدی

علی‌رغم تکذیب دولت سعودی، موضوع از سوی مظفر اعلم پیگیری و در ملاقات‌های بعد با مقامات آن کشور مجدداً مطرح می‌شود.

در گزارش شماره ۱۷ مورخ
۱۳۳۱/۲/۱۶ ، اعلم خطاب به اداره اول
سیاسی وزارت امور خارجه چنین آمده
است:

اداره دفتر محرمانه

شماره: ۱۷

تاریخ: ۱۳۳۱/۲/۱۶

محرمانه

وزارت امور خارجه - اداره اول سیاسی

پیرو گزارش محرمانه شماره ۱۱

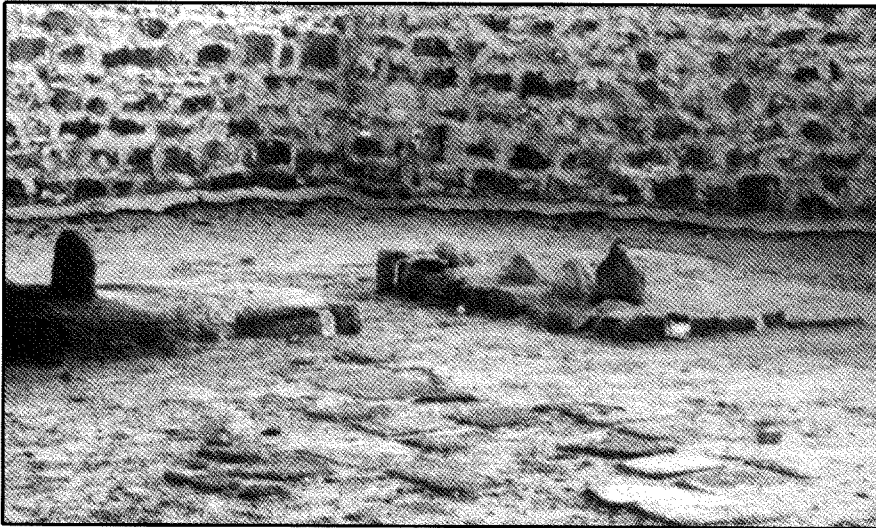
مورخ ۱۳۳۱/۲/۹ و عطف به نامه

محرمانه شماره ۴۹۸ مورخ ۱۳۳۱/۲/۱

آن اداره اشعار می دارد که:

تکذیبی که دولت سعودی در موضوع
تعمیر بقیع منتشر کرده، از ایشان گله
نمودم.

ایشان پاسخ دادند که تکذیب
مذکور، فقط تکذیب مندرجات
روزنامه های عراق راجع به تجدید قبور
ائمه بقیع می باشد و موضوع موافقت با
ساختن دیوار و سایه بان به قوت خود
باقی است و این تکذیب تغییری در
اجرای این نقشه به وجود نخواهد آورد.
سپس اضافه کردند که ما از اول گفته ایم و
اکنون هم تکرار می کنیم که تعمیر قبور



ائمه بقیع نمی تواند مورد موافقت دولت
عربی سعودی قرار گیرد؛ زیرا با معتقدات
مذهبی توافق ندارد و علمای مذهبی ما
آن را نمی پذیرند.

اخیراً فرصت ملاقاتی با
الاحضرت امیرعبدالله فیصل (کفیل
نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و
بهداری) دست داد و اینجانب راجع به

این ملاقات و مذاکره، چون در یکی از میهمانی‌ها اتفاق افتاده بود، مجال بیشتری وجود نداشت تا صحبت‌های دیگری بشود. امیدوار است در آینده بتوان وقت ملاقات مفصلی از والا حضرت امیر عبدالله گرفت تا در آن ملاقات، موضوع کمک ایران به ساختمان سایه‌بان و دیوار بقعه بقیع، با ایشان مورد مذاکره قرار بگیرد.

اما راجع به جلب موافقت اولیای دولت عربی سعودی، برای تعمیر خود قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام، یا ایجاد ساختمان‌هایی غیر از سایه‌بان و دیوار در بقعه مذکور، باید به عرض برساند که فعلاً هیچ‌گونه زمینه‌ای برای این موضوع وجود ندارد و هرگونه کوششی که تا کنون در این راه مبذول شده، به نتیجه نرسیده است و اقبالاً در حال حاضر دولت سعودی آماده نیست، هیچ‌گونه روی موافقتی به این موضوع نشان دهد و چه والا حضرت امیر فیصل و چه والا حضرت امیر عبدالله فیصل و چه سایر رجال عالی‌رتبه دولت عربی سعودی، تا کنون بارها تأکید کرده‌اند و باز هم تأکید می‌کنند که نباید انتظار موافقتی را در این مورد از دولت عربی سعودی داشت.

چنان‌که این جانب از نزدیک شاهد هستم و آن جناب هم استحضار کامل دارند، هنوز نفوذ علمای وهابی در دستگاه دولتی عربی سعودی بسیار قوی است، تا جایی‌که در هر شهری از این کشور هیئتی به نام هیئت امر به معروف هست که از دولت حقوق می‌گیرند و کارشان این است مراقب باشند و نگذارند اموری مخالف دین (یا مذهب وهابی در حقیقت) صورت گیرد و این هیئت حتی در موضوع واردات گمرکی نظارت دارند و نمی‌گذارند کتاب‌های مورد مخالفت مذهب وهابی، یا فیلم‌های سینما یا گرامافون و صفحه یا از این قبیل کالاها وارد مملکت شود و آنچه از این‌گونه چیزها در کشور سعودی دیده می‌شود، همه‌اش به‌طور قاچاق و مخفی داخل شده است و همین چند هفته پیش بود که در جده اطلاع حاصل کردند که شخصی در خانه‌اش سینما دارد و اشخاص به‌طور پنهانی با دادن مبلغی می‌روند و در منزل او از تماشای فیلم‌های سینمایی استفاده می‌کنند، در نتیجه فوراً به خانه او رفتند و دستگاه سینما و کلیه فیلم‌ها را بیرون آوردند و در ملاء عام آتش زدند و خود صاحب‌خانه را

مجازات نمودند.

از این رو تصور می‌شود بهتر است در وضع حاضر، به همین اندازه موافقتی که حاصل شده اکتفا گردد و از اقدامی که نتیجه مثبتی نخواهد داد خودداری شود.

وزیر مختار شاهنشاهی - مظفر اعلم

دیدار با امیر عبدالله فیصل

شماره محرمانه: ۲۱

تاریخ: ۱۳۳۱/۲/۲۳

محرمانه

وزارت امور خارجه - اداره اول سیاسی
پیوند گزارش محرمانه شماره ۱۷
مورخ ۱۳۳۱/۲/۱۶ اشعار می‌دارد که عصر چهارشنبه ماه جاری، بنا به تعیین وقت قبلی با والا حضرت امیر عبدالله فیصل، کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری ملاقاتی دست داد. در این ملاقات، موضوع اعزام آقای حاج رضا مهرآیین مهندس ایرانی از طرف سفارت برای نظارت و راهنمایی در ساختمان و دیوار و سایه بان بقیع از نو مطرح و مورد تأیید ایشان واقع گردید و قرار شد سفارشی به اولیای امور محلی مدینه منوره بنویسند تا وسایل تسهیل کار آقای حاج رضا مهندس را فراهم کنند.

راجع به کمک ملت ایران به این ساختمان، با وجود اینکه این جانب پیش بینی می‌نمودم که بعید است چنین تقاضایی پذیرفته شود و سابقه تعمیر و مرمت حرم مطهر حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که اعلی حضرت ملک عبدالعزیز بن سعود، حاضر نشد اعانه و کمک مصری‌ها و سایر مسلمانان جهان را قبول

ما از اول گفته‌ایم و اکنون هم تکرار می‌کنیم که تعمیر قبور آنمه بقیع نمی‌تواند مورد موافقت دولت عربی سعودی قرار گیرد؛ زیرا با معتقدات مذهبی توافق ندارد و علمای مذهبی ما آن را نمی‌پذیرند.

کند، این ظن و پیش‌بینی را تقویت می‌کرد، مع ذلك احساسات پاک هم‌میهنان را در این باره تشریح نمودم و بیان داشتم که چقدر مایه مسرت و سرفرازی ایرانیان می‌شود که بتوانند در این عمل خیر، کمک کنند.

والاحضرت امیر عبدالله در پاسخ

فرمودند:

این کار کوچک است و ارزش کمک را ندارد و ما همه در این جا



خدمتگزاران عالم اسلام هستیم و پول ما و پول شما با هم فرقی ندارد و امیدواریم در کارها و نقشه‌های بزرگ‌تری بتوانیم از کمک‌های بی‌دریغ ملت ایران برخوردار شویم و بدین ترتیب با لحن مؤدبانه و آراسته‌ای از قبول پیشنهاد ما معذرت خواستند.

پس از این ملاقات، نامه شماره ۵۳۷۶/۴۳۲ مورخ ۳۱/۲/۱۶ که مبنی بر تقدیر از کوشش‌های این سفارت و ترغیب و تشویق در احراز موفقیت‌های بیشتری در این باره بود رسید. این جانب با اظهار تشکر و امتنان بی‌پایان از طرف خود و کلیه کارمندان این سفارت، از این ابراز توجه و تقدیر، معروض می‌دارد که این سفارت با استفاده از فرصت و مواقع مناسب، کوشش‌های مداوم خود را در این راه ادامه خواهد داد تا حتی الامکان نتیجه بهتر و بیشتری گرفته شود.

ولی به عقیده این سفارت بهتر است برای احتراز از تحریک احساسات تعصب‌آمیز وهابی‌ها و علمای نجد، حتی المقدور در اطراف این موضوع کمتر صحبت شود و کمتر گفتگوی آن در مطبوعات و رادیوها منعکس گردد.

راجع به ارسال نقشه دیوار و

سایه‌بان که در نظر است ساخته شود، چون آقای حاج رضا مهندس ایرانی از طرف این سفارت در تهیه نقشه مذکور شرکت خواهد کرد، از این رو به دست آوردن و ارسال نقشه ساختمان مذکور اشکالی نخواهد داشت. فعلاً این سفارت منتظر رسیدن اعتبار دوست لیره‌ای است که برای این منظور از کمیسیون حج خواسته است و برای اینکه فرصت از دست نرود، بهتر است که از محل موجودی کمیسیون دائمی حج یا از هر محل دیگری که میسر باشد، در ارسال وجه مزبور تسریع شود تا بلکه به محض صدور حکم و توصیه، از طرف والا حضرت امیر عبدالله، بتوان آقای مهندس را برای منظور فوق به مدینه منوره اعزام نمود.

وزیر مختار شاهنشاهی - مظفر اعلم

رونوشت بالا در تعقیب نامه محرمانه

شماره ۱۱ مورخ ۱۳۳۱/۲/۹ برای استحضار وزارت دربار شاهنشاهی تقدیم می‌گردد.

وزیر مختار شاهنشاهی - مظفر اعلم

سؤال از وزیر امور خارجه

در همین زمان آقای دکتر متین

دفتری، سناتور مجلس سنا، سؤالی را از

وزیر امور خارجه وقت در مجلس مطرح و خواستار پاسخ‌گویی به آن می‌شود. وزیر خارجه، آقای دکتر کاظمی نیز روز دوشنبه مورخ ۱۳۳۱/۲/۲۲ ه. ش. در مجلس سنا حاضر و سخنانی به این شرح ایراد می‌نماید:

اداره اول سیاسی

شماره: ۶۹

تاریخ: ۳۱/۲/۹

وزارت امور خارجه

سفارت شاهنشاهی ایران

جده

اخیراً از مجلس سنا سؤالی راجع به تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام از جناب آقای وزیر امور خارجه به عمل آمده بود. اینک به پیوست متن کامل پاسخی که در جلسه روز دوشنبه ۱۳۳۱/۲/۲۲ مجلس سنا در این باب داده شده است، برای اطلاع آن سفارت شاهنشاهی به پیوست فرستاده می‌شود. وزیر امور خارجه وزارت امور خارجه

در پاسخ سؤالی که سناتور محترم جناب آقای دکتر متین دفتری در موضوع قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام در بقیع فرموده بودند، لازم می‌داند خلاصه‌ای از جریان امر و اقداماتی که تا کنون از طرف وزارت امور خارجه به عمل آمده است

به عرض برسانم.

تعمیر قبور ائمه اطهار در بقیع با ابراز علاقمندی که سال‌ها است از طرف ملت و دولت ایران به عمل آمده، مسبوق به سابق ممتدی است و انجام این منظور همواره مورد نظر و تقاضای دولت و ملت ایران بوده و می‌باشد. نمایندگی‌های ایران در خارجه با وجود اشکالات و موانع زیاد، هر موقع مناسبی که به دست آورده‌اند با مقامات مؤثر و عالی‌رتبه کشور عربی سعودی تماس گرفته و اهمیت موضوع را متذکر گردیده‌اند، من جمله اقداماتی است که در دوره سفارت کبرای سناتور محترم، جناب آقای دشتی در مصر به عمل آمده و ملاقاتی که در این باب با والاحضرت امیر فیصل نایب السلطنه و وزیر امور خارجه کشور عربی سعودی در سال ۱۳۲۹ به عمل آورده و اشکالات موجوده را ضمن گزارش مفصلی به اطلاع وزارت امور خارجه رسانیده‌اند.

این جانب هم در یک‌ساله اخیر، از عدم موفقیت‌های قبلی مأیوس نگردیده و با اعزام وزیر مختار جدید به جده و صدور تعلیمات لازمه درباره تعمیر بقیع متبرکه بقیع، اقدامات جدی به عمل

آورده و دستورهای مکرری در عرض چند ماه اخیر صادر نمود. در این اواخر، پس از ملاقاتی که نماینده ایران در جده با والاحضرتین امیر فیصل نایب السلطنه و وزیر امور خارجه و امیر عبدالله وزیر کشور عربی سعودی به عمل آوردند و انتظار ملت و دولت ایران را از اولیای

تعمیر قبور ائمه اطهار در بقیع با ابراز علاقمندی که سال‌ها است از طرف ملت و دولت ایران به عمل آمده، مسبوق به سوابق ممتدی است و انجام این منظور همواره مورد نظر و تقاضای دولت و ملت ایران بوده و می‌باشد.

کشور عربی سعودی در این باب جداً متذکر گردیده‌اند، در نتیجه این اقدامات و توجهات و علاقه‌مندی‌هایی که در پاره‌ای از محافل مهم اسلامی نسبت به این امر ابراز شده، موافقت‌هایی حاصل شده و دستورهای لازم به امیر مدینه ابلاغ گردیده است که در تعمیر دیوار قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام و ساختمان سایه‌بان در بقیع اقدام لازم به عمل آورند و موضوع به اداره توسعه حرم که مدتی است مشغول خالی کردن و توسعه

اطراف حرم مطهر نبوی می‌باشند و گذار گردیده است که ضمن کارهای دیگر خود، این موضوع بقیع را نیز انجام دهند و حتی یک نفر مهندس ایرانی مقیم آن کشور، درباره تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام شرکت خواهد داشت. البته وزارت امور خارجه تعمیر دیوار بقیع و ایجاد سایه‌بان مختصری را کافی ندانسته و دستور لازم به سفارت شاهنشاهی در جده داده است تا اقدامات و مذاکرات خود را تعقیب و توجه اولیای محترم دولت عربی سعودی را به اهمیت موضوع بیش از پیش جلب و تقاضا نمایند در اقدامی که مورد نظر و تقاضای جامعه مسلمان و عالم تشیع و ایرانیان می‌باشد توجه سریع و لازم مبذول دارند.

سؤال فروزانفر از وزیر خارجه

مجدداً در تاریخ ۱۳۳۱/۳/۲۸ آقای فروزانفر، سناتور وقت از ریاست مجلس سنا می‌پرسد:

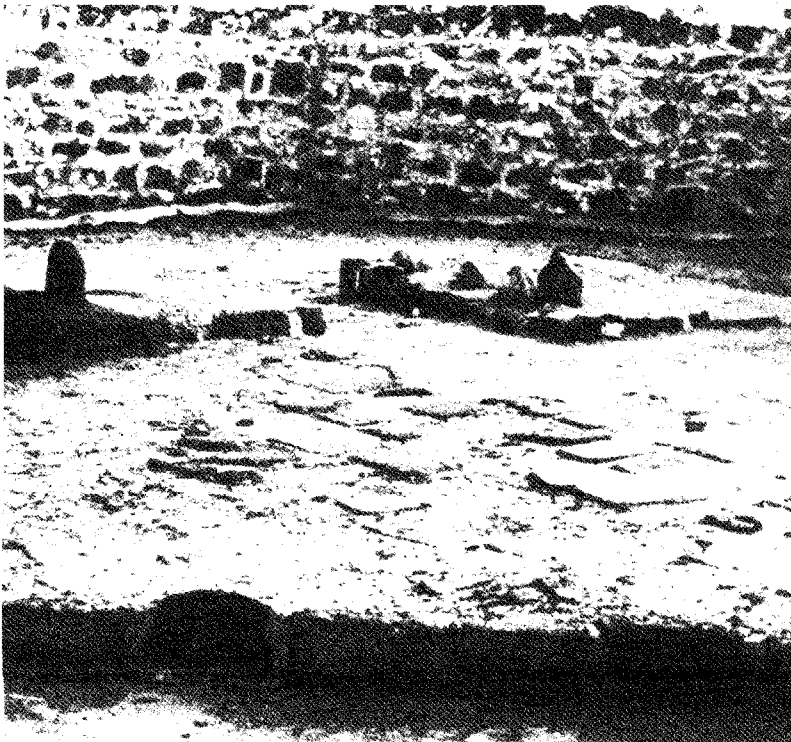
خواهشمند است مقرر فرمایید سؤال زیر برای آقای وزیر امور خارجه ارسال شود تا برای ادای جواب در مجلس سنا حاضر شوند.

سؤال: آیا تعمیر بقاع متبرکه چهار

امام شیعه که در این باب نیز چندی قبل سؤال شده بود، انجام شده است یا خیر؟ وزیر خارجه وقت، آقای کاظمی پاسخ می‌دهد:

در پاسخ سؤال جناب آقای فروزانفر، سناتور محترم، راجع به تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام لازم می‌دانم توجه آقایان سناتورهای محترم را به بیاناتی که در جلسه دوشنبه ۱۳۳۱/۲/۲۲ در پاسخ سؤال جناب آقای دکتر متین دفتری ایراد نمودم، جلب کنم: در آن موقع به عرض رسانیدم که در اثر اقداماتی که در یک‌ساله اخیر به

عمل آمده است، اولیای محترم دولت عربی سعودی، موافقت کرده‌اند که در تعمیر دیوار قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام و ساختمان سایه‌بان در بقیع اقدام لازم به عمل آورند و صحبت از تجدید بنای قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام در بقیع در بین نبوده تا انصرافی از آن حاصل شده باشد. حالا اگر اشخاص غیر مسؤولی برای تظاهر و خودنمایی، چه در ایران و چه در عراق، اظهارات مبالغه آمیزی کرده باشند، جز اینکه به اجرای اصل منظور، صدمه زده باشند، نتیجه دیگری نداشته و ندارد و لذا به نظر این جانب بهتر است همواره در



این قبیل امور فقط نسبت به بیانات و اظهارات مقامات مسؤول توجه فرموده و هرگونه توضیحی هم که لازم باشد از وزارت خارجه مربوطه بخواهند تا ابهامی در اصل موضوع حاصل نشده و سوء تفاهمی از اظهارات مبالغه آمیز دیگران ایجاد نگردد.

با عرض مراتب بالا در تأیید توضیحات قبلی خود، به عرض آقایان محترم می‌رسانم که اخیراً نیز دستورات جدید و مؤکدی برای انجام منظور به سفارت شاهنشاهی در جده صادر شده و امیدوار است نتیجه رضایت بخشی حاصل و انجام این امر در آینده پایه و اساس موفقیت‌های مهم‌تری در این زمینه بشود.

دیدار مجدد اعلم با امیر فیصل

مظفر اعلم وزیر مختار شاهنشاهی، در تاریخ ۳۱/۴/۱۰ بار دیگر اقدام به ملاقات با امیر فیصل، نایب السلطنه حجاز که به دلیل فصل گرما در طائف به سر برده، می‌نماید و در گزارش خود می‌نویسد:

این جانب، هم برای خدا حافظی به مناسبت مسافرت به حبشه و نیز برای

تجدید جلب توجه معظم‌له به موضوع ساختمان سایه بان و دیوار بقیع، همچنین برای مذاکره در موضوع دعوتی که باید طبق نامه محرمانه مورخ ۳۱/۳/۳۱ به شماره ۱۷۷۸ از طرف جناب آقای دکتر مصدق، نخست‌وزیر، از معظم‌له برای مسافرت به ایران به عمل آید... لازم دید به طائف برود و معظم‌له را ملاقات کند...

ملاقات‌ها و گفتگوها همچنان ادامه می‌یابد، سفر تغییر می‌کنند و نفرات بعدی نیز تلاش‌های گذشتگان را با قوت و ضعف دنبال می‌نمایند تا آنکه بالاخره در سالهای اخیر موزاییک خیابان‌های داخلی بقیع، ایجاد سایبان نزدیک قبور ائمه و بازسازی دیوارها تحقق می‌یابد، لیکن بازسازی قبور هرگز!

هم‌اکنون قبور چهار امام شیعه و قبور بسیاری از افتخار آفرینان صدر اسلام و چهره‌های مورد احترام مذاهب اسلامی در زیر آفتاب و در معرض باد و باران قرار دارد و هر زائری را با تأثر شدید روبرو می‌کند و همه را به چاره‌اندیشی دعوت می‌نماید.

امید آنکه رؤسای کشورهای اسلامی، احزاب، گروه‌ها و تمامی پیروان



مذاهب اسلامی برای حل این مشکل
اقدام و از دولتمردان سعودی بخواهند
هر چه سریعتر بقیع را از این حالت
غریبانه خارج نموده، آن را به عنوان یک
اثر جاودانه در تاریخ اسلام احیا و
پاسداری نماید.

○ پانوشته‌ها:

۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۷۳
 ۲. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۸۴
 ۳. همان مدرک.
 ۴. پدربزرگ هویدا، میرزا رضا قنَاد، از بهائیان متعصب و از فدائیان عباس افندی محسوب می‌شد. علاقه او به رهبر بهائیان به حدی بود که هنگام سفر او به فلسطین، همراهش به «عکا» رفت و مستخدم و خادم مخصوص عباس افندی گردید.
- عباس افندی به واسطه خدمات میرزا رضا مخارج تحصیل فرزند او را تقبل کرد و حبیب‌الله (پدر امیرعباس) را برای تحصیل به اروپا فرستاد. حبیب‌الله در اروپا به زبان‌های انگلیسی و فرانسه مسلط شد و چون عربی را هم روان صحبت می‌کرد، در مراجعت به ایران، در دستگاه سردار اسعد بختیاری به عنوان مترجم استخدام شد و همزمان کار ترجمه متون خارجی برای «روزنامه رعد» را هم به عهده گرفت.
- پروفسور براون، میرزا رضای قنَاد (محمدرضا) پدربزرگ هویدا را یکی از چندتن رازدار رهبر بهائیان می‌داند.
- فاضل مازندرانی، مؤلف کتاب ظهورالحق (متعلق به بهائیان) در جلد هشتم (قسمت دوم) صفحه ۱۱۳۸ در باره معرفی پدربزرگ هویدا می‌نویسد:
- «دیگر آقا محمدرضا قنَاد سابق الوصف، از مخلصین مستقیمین اصحاب آن حضرت شد تا وفات نمود و مدفن او در قبرستان «عکا» است و از پسرانش میرزا حبیب‌الله عین‌الملک (پدر هویدا) که به پرتو تأیید و تربیت آن حضرت، صاحب حسن خط و کمال شد و همی سعی کرد و کوشید که شبیه به رسم الخط مبارک نوشت. و در سنین اولیه نزد آن حضرت کاتب آثار و مباشر خدمات گردید. بعداً مشاغل دولتی و مأموریت در وزارت خارجه ایران یافت و پسر دیگرش میرزا جلیل خیاط (عموی هویدا) در «عکا» و هم از دخترش (عمه هویدا) که در شام شوهر نمود، مآل با سعادت و رضایتی بروز نکرد!
- حبیب‌الله (عین‌الملک) با دختری به نام افسرالملوک ازدواج کرد. افسرالملوک دختر محمدحسین خان سردار از تروریست‌های معروف بهایی بود که در دوران قاجاریه در آشوب و بلوایی که بهائیان در چند شهر ایران به راه انداختند نقش داشت.
- حبیب‌الله (عین‌الملک) با کمک و حمایت سردار اسعد بختیاری به وزارت امور خارجه رفت و

به واسطه آشنایی به زبان عربی و سابقه اقامت در شامات، مأمور خدمت در سوریه و لبنان گردید. عین‌الملک که در این سال‌ها همچنان به «أل‌رضا» معروف بود، با سوء استفاده از موقعیت دیپلماتیک خود، به تبلیغ بای‌گری در این کشورها پرداخت.

چند ماه پس از اقامت حبیب‌الملک در شامات، او را مأمور خدمت در «جدّه» کردند. وی در «جدّه» با انگلیسی‌ها سر و سری پیدا کرد و علی‌رغم اقامت در سرزمینی که قلب جهان اسلام محسوب می‌گردد، به تبلیغات بای‌گری خود ادامه داد....

فعالیت‌های بهایی‌گری قنصل ایران موجب بروز آثار سوئی گردید و وزارت امور خارجه ایران مجبور شد وی را به تهران احضار نماید.

عین‌الملک پس از احضار به تهران، مجدداً روانه عکا گردید و تا پایان عمر در خدمت رهبر بهائیان باقی ماند.

«حبیب‌الله» عین‌الملک دو پسر داشت: یکی به نام امیرعباس و دیگری به نام فریدون هویدا. (امیرعباس هویدا، صص ۱۴ و ۱۵).

۵. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۸۸

۶. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۷۵

۷. همان، ص ۷۷

۸. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۵۰

۹. قبر حضرت آمنه مادر رسول خدا ﷺ در محلی به نام ابواء، میان مکه و مدینه قرار دارد.

۱۰. معلوم می‌شود اعتراف وی به تخریب قبور در مکه به دلیل آن بوده که قبلاً گزارش آن توسط غفارخان به تهران ارسال گردیده و او می‌دانسته اگر نویسد از طریق گزارش غفارخان واقعیت‌ها به تهران منعکس خواهد شد.

۱۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۴۶

۱۲. همان، ص ۵۴

۱۳. ایتالیا.

۱۴. ساختن بنا بر قبور.

۱۵. نقطه چین مربوط به نویسنده نامه است.

۱۶. نقطه چین‌ها مربوط به متن نامه است.

